

﴿نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾

(سورة نور آیه ۳۵)

جزوه نکته و تست دین و زندگی

نور علی نور

توضیح کامل و نکته‌ای و ترکیبی

دین و زندگی دهم

به همراه تست و آزمون

«ویرایش جدید کنکور ۱۴۰۱»

مرتضی محسنی کبیر

توجه: «طبق نظر همه مراجع، اگر تولیدکننده یک اثر، تکثیر و کپی آن اثر را جایز نداند، تکثیر آن حرام است.

خرید و استفاده از آثار تکثیری نیز حرام است.» (کتاب دین و زندگی

دوازدهم درس ۸ ص ۱۰)

آدرس سایت: Mmohsenikabir.ir

تلگرام: @mmk110

وبلاگ: @mmk110

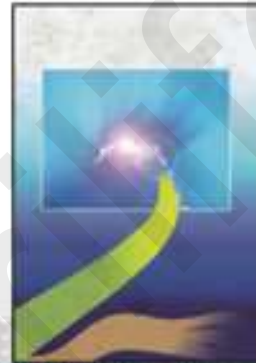
فهرست

بخش اول: تفکر و اندیشه



۱۱

درس دوم: پر پرواز



۴

درس اول: هدف زندگی



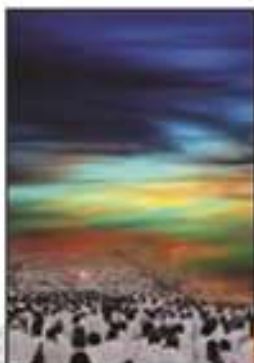
۲۳

درس چهارم: آینده روشن



۱۸

درس سوم: پنجره‌ای به روشنایی



۳۷

درس ششم: واقعه بزرگ



۳۱

درس پنجم: منزلگاه بعد

بخش دوم: قدم در راه



۵۰

درس هشتم: آهنگ سفر



۴۳

درس هفتم: فرجام کار



۶۴

درس دهم: یاری از نماز و روزه



۵۸

درس نهم: دوستی با خدا



۷۹

درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی



۷۴

درس یازدهم: فضیلت ارادتگی

پیش از مطالعه
جزوه، حتماً این
قسمت را بخوانید.

نکات مقدماتی

- (۱) در متن درس به کلمات: زیرا - یعنی - تا - از این رو - بنابراین - اگر - هر کس و ... توجه شود چون جملات بعد از این کلمات می‌تواند مکان مناسبی برای طرح سؤال باشد.
- (۲) به بحث «علت و معلول» دقت شود، با اینکه خود واژه علت و معلول کمتر در کنکور دیده می‌شود ولی کلمات هم‌معنا آن در کنکورهای اخیر آمده است.

علت: سبب = باعث = متبوع = خاستگاه ...
معلول: نتیجه = ثمره = میوه = مولود = تابع = بازتاب = عاقبت

مثال:

- ربوبیت الهی، **خاستگاه** و پرستش خداوند است. (ریاضی ۹۹)
- دوزخی شدن معلول (تابع) عدم تفکر است.
- (۳) به کلمات مترادف در دین و زندگی دقت شود.
مانند: مرجعیت دینی = تبیین و تعلیم تعالیم
اجرای احکام الهی = ولایت ظاهری
- (۴) به اسم درس و به تیتروهای داخل درس‌ها و همچنین آیات و احادیث و اشعاری که زیر آن تیترو قرار می‌گیرند، توجه کنید.
- (۵) در مطالعه آیات، آیه را به چند قسمت تقسیم کنید و موضوع و نکته هر قسمت را بدانید (بویژه به خطاب‌ها، صفات الهی، فعل امر، فعل نهی، تأکیدها و ...)
- (۶) در مطالعه آیات به ترجمه آن و نکته‌های عربی موجود در آیات توجه کنید.
- (۷) به تقسیم‌بندی‌های هر درس توجه ویژه داشته باشید، برای یادگیری حتماً مخففی برای خود بسازید (مانند مراحل اول و دوم قیامت)
- (۸) به واژه‌های اولین، مهم‌ترین، بالاترین، بهترین و ... در متن درس توجه کنید.
- (۹) به ربط موضوعی متن کتاب و آیات و احادیث و اشعار با جاهای دیگر کتاب‌های دهم و یازدهم و دوازدهم توجه ویژه کنید.
- (۱۰) از آیات و احادیث تکراری در سه کتاب و آیات پشت سر هم در یک درس یا درس‌های دیگر غافل نشوید.

در عالم یک چیز است که آن فراموش کردنی نیست؛ اگر جمله چیزها را فراموش کنی و آن را فراموش نکنی تو را باک نیست و اگر جمله را به جا آری و آن را فراموش کنی هیچ نکرده باشی

جهان هدفمند

در پس خلقت تک تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد؛ زیرا خالق آنها حکیم است؛ یعنی خدایی که هیچ کاری بیهوده (عبث) انجام نمی‌دهد. قرآن کریم در آیات گوناگون بر این نکته تأکید می‌کند و آفرینش جهان را می‌داند.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

* ارتباط معنایی با آیه ﴿افحسبتم انما خلقناكم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون﴾

* حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌دار بودن خلقت آنهاست.

وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِینَ﴾

* این آیه به خوبی دلالت دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی براساس برنامه حساب شده‌ای به این جهان گام نهاده است.

﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

(سوره دخان آیات ۳۸ و ۳۹)

* حضرت علی علیه السلام: «ای مردم ... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لَهو کند و او را به خود وا نگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش پردازد.»

تست

۱- مفهوم آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِینَ ...﴾ با کدام عبارت، مشابه است؟

۱) حق تعالی انسان را ارزش بسیار داده و او را در آسمان و زمین قدرت برتری و استفاده داده است.

۲) میان هدف انسان و موجودات، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد که به ویژگی‌های خاص انسان باز می‌گردد.

۳) حیوانات و گیاهان به صورت غریزی به سوی هدف خود در حرکت هستند و حرکت انسان بی‌هدف نیست.

۴) در عالم یک چیز فراموش کردنی نیست و اگر همه را فراموش نکنی و آن را فراموش نکنی، تو را باک نیست.

۲- از کدام آیه شریفه «علیت حکمت الهی و معلولیت حقانیت خلقت الهی» مستنبط است؟

۱) ﴿فَعَنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾ ۲) ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِینَ﴾

۳) ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَ نَسْكَی وَ مَحْيَای وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ۴) ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ اصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثاً﴾

- تفاوت (تمایز) میان انسان و موجوداتی همچون گیاهان و حیوانات**
- ۱) انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد؛ در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی (تفاوت اولیه)
 - ۲) انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعدادهای محدود مادی دارند، مجموعه‌ای فراوان از استعدادهای مادی و معنوی است. به همین دلیل به دنبال (پی‌گیر) انتخاب هدف‌هایی است که از طریق آن (به واسطه) استعدادهای (توانمندی‌های) گوناگون خود را به کمال (اوج) برساند. (تفاوت ثانویه)
 - ۳) انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است (پایان‌ناپذیر و تمام‌نشده) در حالی که حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند.

اختلاف در انتخاب هدف

* وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرت‌انگیزی مواجه می‌شویم؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم.

منشأ (خاستگاه) اختلاف در هدف

* هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود، یعنی اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه (و جهان‌بینی) انسان دارد.
* دقت کنید نگاه، اندیشه، جهان‌بینی و عقیده علت هستند و رفتار و سبک زندگی معلول هستند.

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

* با توجه به تفاوت نگاه و اندیشه انسان‌ها، برای اینکه بتوانیم با نگاهی درست، هدف‌های خود را انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک هستیم؛ معیاری که بتوانیم به وسیله آن، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت طلب و استعدادهای متنوع انسان را مشخص کنیم.

تست

۳- فراوان بودن استعدادهای مادی و معنوی در انسان برخلاف حیوانات و گیاهان چه نتیجه‌ای ایجاد کرده است؟

- ۱) نوع نگاه و اندیشه ویژه‌ای که موجب سیراب شدن روحیه بی‌نهایت طلب او شود.
- ۲) حرکت حیرت‌انگیزی که او را به سمت کشف اسرار جهان هستی راهنمایی نماید.
- ۳) پیگیری هدف‌هایی که به واسطه آنها بتواند توانمندی‌های خویش را به اوج برساند.
- ۴) انتخاب دائمی هدف‌هایی که پایان‌ناپذیر باشند و او را در سرحد رشد و کمال متوقف سازند.

۴- اولین تمایز عملکرد انسان برای رسیدن به مقصد با گیاهان و حیوانات، در کدام عبارت متجلی است؟

- ۱) انسان باید ابتدا هدف خود را بشناسد و با کمک گزینه به سمت آن برود اما حیوانات و گیاهان به صورت طبیعی و غریزی به سوی هدف در حرکت‌اند.
- ۲) گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سمت هدف در حرکتند و انسان پس از تشخیص و انتخاب هدف به سوی هدف می‌رود.
- ۳) انسان پس از انتخاب هدف به سوی آن متمایل می‌گردد و حیوانات به طور طبیعی و گیاهان به صورت غریزی به سوی هدف در حرکتند.
- ۴) روحیه بی‌نهایت طلب انسان باعث می‌شود عطش او کم نشود در حالی که استعدادهای گیاهان و حیوانات محدود و مادی‌اند.

۱- آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم — و به هر کس که اراده کنیم — می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود. (هدف پایان‌پذیر و دنیوی) (سنت امداد عام) (سوره اسراء، آیه ۱۸)

۲- و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند و مؤمن باشد، پاداش داده خواهد شد. (سنت توفیق الهی) (هدف پایان‌ناپذیر و اخروی)

(سوره اسراء، آیه ۱۹)

۳- بعضی از مردم می‌گویند: خداوندا به ما در دنیا نیکی عطا کن. ولی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند. (هدف پایان‌پذیر و دنیوی) (سوره بقره، آیه ۲۰۰)

۴- و بعضی می‌گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار. ﴿ربنا آتنا فی الدنیا حسنه...﴾ (هدف پایان‌ناپذیر و اخروی)

(سوره بقره، آیه ۲۰۱)

۵- اینان از کار خود نصیب و بهره‌ای دارند؛ و خداوند سریع‌الحساب است.

(سوره بقره، آیه ۲۰۲)

۶- آنچه به شما داده شده، کالای زندگی دنیا و آرایش ﴿لهو و لعب﴾ آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر ﴿الحوان﴾ است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟ (ارتباط معنایی با آیه اول ص ۴۲ دهم)

(سوره قصص، آیه ۶۰)

* برنامه‌ریزی انسان باید دربرگیرنده اهداف اخروی و اهداف دنیوی باشد و به گونه‌ای تنظیم شود که اهداف اخروی اصل و هدف‌های دنیوی فرع و تابع آنها باشد.

هر دو خوب هستند و برای زندگی ما ضروری هستند.
مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم.
آن قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع انسان در رسیدن به اهداف اصلی شوند.
تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است.
باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم.
آن قدر سرگرم نعمت‌های دنیا نباشیم که از زیبایی‌های پایدار باز بمانیم.

نکته‌های اهداف اصلی و فرعی

* مراجعه به ص ۱۴۲ یازدهم (درس یازدهم)

۵- مطابق آیات قرآن کریم، عاقبت کسی که فقط زندگی دنیا را طلب کند، کدام است و زندگی دنیایی او چگونه خواهد بود؟

- ۱) برزخ - «در دنیا نیکی می بیند ولی در آخرت از آن بهره ای ندارد.»
- ۲) دوزخ - «در دنیا نیکی می بیند ولی در آخرت از آن بهره ای ندارد.»
- ۳) برزخ - «به میزانی که خداوند اراده کند و بخواهد از آن بهره مند می شود.»
- ۴) دوزخ - «به میزانی که خداوند اراده کند و بخواهد از آن بهره مند می شود.»

۶- مطابق آیات قرآن کریم، چه کسی «با خواری و سرافکندگی» در جهان آخرت وارد دوزخ می شود؟

- ۱) از خداوند نیکی در زندگی دنیایی خواسته و از آخرت بی بهره مانده است.
- ۲) به زندگی دنیا و آرایش و زینت آن پرداخته و در آسایش زندگی کرده است.
- ۳) فقط به دنبال زندگی زودگذر دنیا بوده است و به مقداری از آن دست یافته است.
- ۴) زندگی پایدار اخروی را فراموش کرده و به همه نصیب خود در این جهان رسیده است.

۷- از توجه به عبارت قرآنی «بعضی از مردم می گویند: خداوند ما در دنیا نیکی عطا کن. ولی در آخرت هیچ بهره ای ندارند.» کدام پیام مفهوم می گردد؟

- ۱) اگر هدف های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف های اخروی می شوند.
- ۲) برخی هدف های پایان ناپذیر و همیشگی اند و پاسخ گوی استعداد های معنوی ما هستند.
- ۳) اصل قرار گرفتن هدف های اخروی، مانع بهره مندی انسان از نعمت های دنیایی نمی شود.
- ۴) اگر کسی هدف های پایان ناپذیر را به عنوان هدف اصلی برگزیند، استعداد های مادی و معنوی رشد نمی کند.

۸- قرآن کریم در سوره مبارکه اسراء برای آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می طلبد، چه سرانجامی را بیان می کند؟

- ۱) از کار خود نصیب و بهره ای ندارد و خداوند در آخرت، سریع الحساب است.
- ۲) خداوند به آن ها در دنیا نیکی عطا می کند، ولی در آخرت هیچ بهره ای ندارد.
- ۳) آن مقدار از آن را که بخواهیم به او می دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد.
- ۴) کالای زندگی دنیا و آرایش آن به او داده می شود، البته آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است.

برترین هدف (هدف اعلی و افضل)

نام احمد نام جمله انبیاست / چون که صد آمد نود هم پیش ماست

- * این بیت را به صورت یک ضرب المثل در جایی که یک چیز، جامع و دربردارنده چیزهای دیگر است، استفاده می کنند.
- * برخی هدف های زندگی، نیز این گونه اند؛ یعنی دربردارنده هدف های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابر دستیابی به سایر اهداف نیز هست. به میزانی که این گونه هدف ها برتر و جامع تر باشند، هدف های بیشتری را در درون خود جای می دهند.
- * معمولاً آدم های زیرک و هوشمند هدف های خود را به گونه ای انتخاب می کنند که به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند».

آدم های زیرک و هوشمند	متن کتاب	هدف جامع
باهوش ترین مؤمنان	حدیث نبوی ص ۴۱ دهم	دیدگاه پیامبران درباره مرگ
زیرک ترین انسان ها	حدیث علوی ص ۱۰۲ دهم	محاسبه

* با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعدادهاى انسان» و «بی‌نهایت‌طلبی او»، اگر هدفی را که انتخاب می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف، کامل‌تر است. بنابراین برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که (۱) همه استعدادهاى متنوع ما را دربرگیرد و (۲) در جایی متوقف نشود و (۳) نهال وجود ما را به درختی پربار و زیبا تبدیل کند (۴) به‌طوری که سراسر وجود ما را شادابی، بالندگی و شور و نشاط فرا گیرد.

* امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ببینید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر و با تربیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز کرد و جلوه‌گاه همه کمالات و زیبایی‌ها شد. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری، مهربانی و دوستی، پهلوانی و جوانمردی، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌نظیر است. راستی ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همه این زیبایی‌ها دست یافته است؟ (ص ۸۱ یازدهم)

هرکس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. این سرچشمه، همان خداوند است که خالق همه کمالات و زیبایی‌هاست؛ او که خود نامحدود است و کمالات و خوبی‌هایش حد و اندازه ندارد. هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و در جهان گسترده می‌شود.

پس مقصود و هدف نهایی ما خداوند است. به راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند برترین و اصلی‌ترین هدف ما باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند و زمین شکوفا شدن استعدادهاى متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

* البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمه زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند (علت) به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. (معلول)

* افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی خود، (۱) هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند و (۲) هم از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را در جهت رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

(سورة نساء، آیه ۱۳۴)

- * مطالبه دائمی و مستمر (ماضی استمراری)
- * قرب وجودی انسان به خدا ﴿عند الله﴾
- * هدف جامع و افضل و اعلیٰ
- * ویژگی زیرک‌ترین افراد

البته این هدف، به همان میزان که بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و اراده محکم می‌طلبد؛ همان‌طور که دستیابی به گوهرهای گران‌قدر دریاها، پشتکاری شگرف می‌خواهد.

- ۱- ای دوست، شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟
خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟
- ۲- ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن و گل در تو؟
یا آن که برآرد گل، صد زکس تر سازد؟
- ۳- ای عقل تو به باشی در دانش و در پیش؟
یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

- * هدف جامع (برترین هدف)
- * خدا سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها
- * ارتباط معنایی با آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ...﴾

۹- بیت «ای باغ تویی خوش تر، یا گلشن و گل در تو / یا آن که برآرد گل، صد نرگس تر سازد» در پی بیان کدام مفهوم است؟

- ۱) هدف‌های بزرگ به همان میزان که ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و اراده محکم می‌طلبد.
 - ۲) انسان‌های هوشمند با بهره‌گیری از عقل خود، هدفی را انتخاب می‌کنند که کامل‌تر باشد.
 - ۳) نزدیکی و تقرب به خداوند، از جنس مکان و ظاهری نیست، بلکه یک تقرب حقیقی است.
 - ۴) انسان با تنوع‌طلبی، به دنبال اهداف متنوعی است که بتواند استعدادهای او را شکوفا سازد.
- ۱۰- کسانی که خواهان نعمت و پاداش مستمردند، در قرآن کریم این‌گونه سفارش شده‌اند:

- ۱) ﴿و ما خلقنا السَّمَاوَاتِ و الارض و ما بینهما لَاعِبِینَ﴾ (۲) ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا و الْآخِرَةِ﴾
- ۳) ﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (۴) ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا﴾

۱۱- اگر از ما بپرسند چرا مؤمنان زیرک‌ترین افراد جهان‌اند، در پاسخ چه می‌گوییم و مفهوم ضرب‌المثل «با یک تیر چند نشان زدن» در کدام عبارت قرآنی تجلی دارد؟

- ۱) زیرا تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیوی نه تنها بد نیست بلکه ضروری و واجب است. - ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۲) زیرا آنان با انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی از بهره‌های دنیوی نیز بهره‌مندند. - ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۳) زیرا آنان با انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی از بهره‌های دنیوی نیز بهره‌مندند. - ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾
- ۴) زیرا تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیوی نه تنها بد نیست بلکه ضروری و واجب است. - ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾

۱۲- دقت در کدام آیه شریفه، به انسان در یافتن هدف اصلی زندگی می‌کند و دستیابی به آن چه چیزی را می‌طلبد؟

- ۱) ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا و الْآخِرَةِ﴾ - همت بزرگ و اراده محکم
- ۲) ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ و نَحْيَا و مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ - همت بزرگ و اراده محکم
- ۳) ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا و الْآخِرَةِ﴾ - شناخت مقصد و هدف نهایی
- ۴) ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ و نَحْيَا و مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ - شناخت مقصد و هدف نهایی

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي و نُسُكِي و مَحْيَايَ و مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

- * زندگی برای خدا زیرا هدف اصلی انسان تقرب الهی است ﴿لِلَّهِ﴾
 - * عبادت یعنی هر حرکتی و عملی برای کسب رضایت خداوند
 - * روح بی‌نهایت طلب جز با سرچشمه بی‌پایان خوبی‌ها و زیبایی‌ها (خداوند) آرام نمی‌گیرد.
- ☑ این آیه در درس ۴ دوازدهم تکرار شده است.

۱۳- از آیه شریفه ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي و نُسُكِي و مَحْيَايَ و مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ چه موضوعاتی مستفاد می‌گردد؟

- الف) بهره‌مندی از نعم الهی فقط در سایه تقرب به خداوند و در سایه بندگی خداوند متعال به دست می‌آید.
- ب) هر موجودی براساس برنامه‌ای غایتمند و کاملاً حساب‌شده به این جهان قدم گذاشته و به سوی آن هدف حکیمانه در حرکت است.
- ج) برنامه روزانه زندگی اعم از دنیوی و اخروی باید براساس رضایت‌مندی خدای متعال انجام پذیرد.
- د) روح بی‌نهایت طلب آدمی، جز با سرمنشأ بی‌پایان خوبی و زیبایی یعنی خداوند آرام نمی‌گیرد.

- الف - ب (۲) ب - ج (۳) ج - د (۴) الف - د

درس دوم

پر پرواز

رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری او فقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می‌شود. اولین گام برای حرکت انسان در این مسیر، شناخت انسان است؛ یعنی (۱) شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادها و او و (۲) چگونگی به کارگیری این سرمایه‌ها و (۳) همچنین شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب به خداوند و (۴) نحوهٔ مقابله یا دوری از این موانع. به همین دلیل است که سودمندترین دانش‌ها شمرده شده است.

سرمایه‌های انسان = عوامل رشد = ودیعه‌های الهی

خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده ﴿لَكُمْ﴾ و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است. اینها نشان می‌دهد خداوند متعال انسان را داشته و برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

تست

۱- نشانهٔ گرامیداشت انسان از سوی خداوند متعال و جایگاه ویژهٔ او در نظام هستی، کدام است؟

- ۱) آفرینش جهان و مخلوقات برای انسان و اعطای توانمندی بهره‌مند شدن از آنها
- ۲) اعطای نیرویی که با آن بیندیشد و توان تشخیص راه‌های غلط و درست در زندگی
- ۳) امداد انسان برای بهره‌گیری از سرمایه‌های الهی و شناخت موانع حرکت او به سمت خدا
- ۴) شناخت سرمایه‌ها و توانایی‌ها و استعدادها و چگونگی به کارگیری این سرمایه‌ها

همچنین، خداوند متعال برای اینکه انسان بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کند و به هدف خلقت یعنی تقرب به خدا دست یابد، سرمایه‌هایی در اختیارش قرار داده است. برخی از این سرمایه‌ها عبارت‌اند از:

۱- **تعقل و تفکر**: پروردگار، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

تدبر

با توجه به ترجمهٔ آیات زیر بگویید هر آیه به کدام یک از آثار دیگر بهره‌گیری انسان از عقل اشاره دارد؟

■ آنها هنگامی که مردم را به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند. (سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۸)

■ و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.

(سورهٔ ملک، آیهٔ ۱۰)

۲- تشخیص دهنده طُرق غلط و خوب منادیگر کدام ودیعه الهی است و قرآن کریم دلیل دوزخی شدن را چه چیزی معرفی می نماید؟

- (۱) قوه تعقل - تمسخر و عدم درک حقیقت عبادت
 (۲) قوه تعقل - عدم شنیدن و تعقل کردن
 (۳) قوه اختیار - عدم شنیدن و تعقل کردن
 (۴) قوه اختیار - تمسخر و عدم درک حقیقت عبادت

۲- **اراده و اختیار:** خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و **مسئول سرنوشت** خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا با استفاده از **سرمایه عقل** راه رستگاری را **برگزینیم** و از شقاوت دوری کنیم.

- ۱- اراده و اختیار
 ۲- هدایت تشریحی و هدایت از طریق پیامبران (سرمایه ششم)
 ۳- سنت امداد عام الهی
 ۴- توحید در ربوبیت **هدیناه**
 ۵- شاکراً (توحید عملی)
 ۶- کفوراً (شرک عملی)

**إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ
 إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا**

(سوره انسان، آیه ۳)

۳- کدام موضوع از آیه شریفه **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا** دریافت می گردد؟

- (۱) سامان بخشی وجود انسان توسط خداوند زمینه ساز قدرت اراده و اختیار انسان است.
 (۲) الهام بدی و خوبی به انسان نشانه ای از گرایش انسان به خوبی و وجود اختیار است.
 (۳) عکس العمل نشان دادن انسان در برابر گناه نشانه ای از وجود قدرت اراده و اختیار انسان است.
 (۴) هرکس مسئول سرنوشت خویش است و باید عاقبت کارهای خود را بر عهده بگیرد.

۴- اولین گام برای حرکت در مسیر رستگاری کدام است و آیه شریفه **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا** به کدام ویژگی انسان اشاره دارد؟

- (۱) شناخت جامع ترین و اصلی ترین هدف زندگی و تقرب به آن - هدایت و شکر
 (۲) شناخت جامع ترین و اصلی ترین هدف زندگی و تقرب به آن - اختیار و انتخاب
 (۳) شناخت توانایی ها و سرمایه های انسانی و شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب - هدایت و شکر
 (۴) شناخت توانایی ها و سرمایه های انسانی و شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب - اختیار و انتخاب

۳- **سرشت خدا آشنا (فطرت):** او سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در وجود ما قرار داد. از این رو هرکس در خود می نگرد (سیر انفسی) و یا به تماشای جهان (سیر آفاقی) می نشیند، خدا را می یابد (یافتن) و محبتش را در دل احساس می کند.

«هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم». ﴿ما رأیت شیئاً الا...﴾ (درس ۱ دوازدهم) گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما و فراموشی یاد خدا می‌شود ولی باز که به خود بازمی‌گردیم او را در کنار خود می‌یابیم.

دوست نزدیک‌تر از من به من است
وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او
در کنار من و من مجبورم

- ۱- سرشت خدا آشنا
- ۲- قرب وجودی خدا به انسان
- ۳- این شعر در ص ۱۴ درس ۱ دوازدهم تکرار شده است.

تست

۵- بیت زیر با کدام مورد، تناسب مفهومی دارد؟

«دوست نزدیک‌تر از من به من است / وین عجب‌تر که من از وی دورم»

- (۱) «اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداً»
- (۲) «تفکروا فی کل شیء و لا تفکروا فی ذات اللہ»
- (۳) «ما رأیت شیئاً الا و رأیت قبله و بعده و معه»
- (۴) «انما المؤمن بمنزلة کفة المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه»

۴- **گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از بدی**: شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن در وجود ما قرار دارد، تا به خیر و نیکی روآوریم و از گناه و زشتی پرهیزیم. از این‌روست که همه ما فضائلی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

۱- گرایش به خیر و نیکی

۲- خداوند بدی‌ها و خوبی‌ها را به انسان الهام کرده است.

۳- بعد از این دو آیه یعنی آیه ۹ به تزکیه نفس که رمز رستگاری و سعادت است، اشاره شده است. ﴿قد افلح من

زکاه﴾ (درس ۸ دوازدهم)

﴿و نفس و ما سواها﴾

﴿قالهمها فجورها و تقواها﴾

(سوره شمس، آیات ۷ و ۸)

۵- **نفس لوامه (وجدان)**: گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها ﴿و نفس و ما سواها...﴾ سبب می‌شود که در مقابل گناه و زشتی واکنش (عکس‌العمل) نشان دهد و آن‌گاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند و در اندیشه جبران آن برآید. قرآن کریم، عامل درونی این حالت را «نفس لوامه»، یعنی نفس سرزنشگر، نامیده و به آن سوگند خورده است.

﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾

- ۱- نفس لوّامه یا وجدان اخلاقی یا همان سرزنشگر درونی یا خود عالی
- ۲- مرتبه‌ای از نفس که انسان را از گناه باز می‌دارد و مقابل نفس اماره است.
- ۳- آیات بعد از این آیه یعنی آیات ۳ و ۴ و ۵ سوره قیامت در درس ۴ دهم آمده است.

(سوره قیامت، آیه ۲)

تست

۶- در سرمایه «سرشت خداآشنا» سیر آفاقی و انفسی برای چیست و عکس‌العمل نشان دادن در برابر زشتی نتیجه کدام سرمایه است؟

- ۱) یافتن خداوند - ﴿لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾
 - ۲) یافتن خداوند - ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾
 - ۳) دانستن خداوند - ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾
 - ۴) دانستن خداوند - ﴿لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾
- ۷- با توجه به اینکه «انسان‌ها عزت نفس و عدالت را دوست دارند و از ریا و ظلم و حقارت نفس بیزارند». کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

- ۱) ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾
- ۲) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۳) ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾
- ۴) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالنَّشْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾

۶- **راهنمایان الهی (پیامبران و امامان):** علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾

سرمایه و هدف

* هدف و مسیر حرکت هرکس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. اگر کسی سرمایه‌ای اندک داشته باشد، به کاری کوچک روی می‌آورد. ولی هر چه سرمایه این شخص بیشتر شود، هدف‌های بزرگ‌تری را می‌تواند مدنظر قرار دهد و به کارهای ارزشمندتری رو آورد.

* انسان سرمایه‌های عظیم و ارزشمندی همچون عقل، وجدان و راهنمایان الهی و ... دارد؛ سرمایه‌هایی که حیوانات و گیاهان از آن برخوردار نیستند. از آنجا که ما بیش از حیوانات سرمایه و استعداد داریم، قطعاً هدف و مسیر ما نیز باید متفاوت از آنها باشد. پس چگونه می‌توانیم به کاری که در حد و اندازه حیوانات است، قانع شویم و در همان سطح بمانیم. هدف ما باید به وسعت سرمایه‌ها پیمان باشد.

۸- منظور از شناخت انسان چیست و هدف و مسیر حرکت هرکس با چه چیزی تناسب دارد؟

- ۱) معرفت به جایگاه همه موجودات در نظام هستی بویژه انسان - عوامل درونی و بیرونی
- ۲) معرفت به جایگاه همه موجودات در نظام هستی بویژه انسان - توانایی و سرمایه‌هایش
- ۳) شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادهایش - توانایی و سرمایه‌هایش
- ۴) شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادهایش - عوامل درونی و بیرونی

* اگر هدف از خلقت ما خوردن، خوابیدن و شهوت‌رانی در این دنیای چند روزه بود، آیا به سرمایه‌هایی همچون عقل و وجدان و پیامبران نیاز داشتیم؟! **عقلی** که با دوراندیشی، ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند و **وجدانی** که با محکمه‌اش، ما را از راحت‌طلبی باز می‌دارد. اگر بنا بر خوردن و خوابیدن باشد، حیوانات از ما خوش‌تر زندگی می‌کنند! چون نه عقل دارند که **مانع** آنان باشد و وجدانی که گاه و بیگاه آنان را **سرزنش** کند.

موانع رسیدن به هدف (موانع رشد)

خدای متعال، علاوه بر اینکه عوامل رشد و کمال را به ما نشان داده، عوامل سقوط و گناه و دور ماندن از هدف را نیز به ما معرفی کرده است.



۱- نفس اماره: او به ما یادآوری می‌کند که (۱) عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و (۲) از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد. (۳) میل سرکشی که در درون انسان طغیان می‌کند (طغیانگر درونی) و وی را به گناه فرامی‌خواند، «نفس اماره»، یعنی **فرمان‌دهنده به بدی‌ها** نامیده می‌شود. این عامل درونی همان است که حضرت علی علیه السلام درباره‌اش فرموده است:

«دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست». (دشمن حداکثری)

۲- شیطان: همچنین، خداوند از عاملی بیرونی خبر می‌دهد که (۱) خود را برتر از آدمیان می‌پندارد

و (۲) سوگند یاد کرده است که فرزندان آدم را فریب دهد و (۳) از رسیدن به بهشت باز دارد. (۴) کار او وسوسه کردن و فریب دادن است و (۵) جز این، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه وسوسه می‌دهیم یا راه فریب را بر او می‌بندیم. (عامل اصلی گناه خود انسان است).

۹- اهم موانع رسیدن به هدف در فرهنگ قرآن و معارف اسلامی کدام است؟

- ۱) تمایلات دانی و شیطان که با زینت دادن دنیا سبب سقوط انسان می‌گردند.
- ۲) شیطان و نفس اماره که انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند.
- ۳) نفس اماره و شیطان رانده شده که با زینت دادن دنیا سبب سقوط انسان می‌گردند.
- ۴) تمایلات دانی و شیطان که انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند.

همین دشمن، در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می‌گوید:

«(۱) خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. (۲) البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. (۳) این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. (۴) امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. (۵) نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.»

۱- عامل اصلی گناه خود انسان است نه شیطان.

۲- اراده و اختیار انسان

تست

۱۰- براساس آیات قرآن کریم، شیطان در روز رستاخیز چگونه پاسخ گناهکاران را می‌دهد؟

- ۱) من بر شما در دنیا تسلط داشتم و شما را به گناه دعوت کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید.
- ۲) امروز خود را سرزنش کنید نه مرا نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.
- ۳) شما در دنیا به همه لذت‌های خود دست یافته‌اید ولی امروز خودتان مسئول هستید.
- ۴) اختلافات و تفرقه‌تان در دنیا، شما را به اینجا رسانده است و باید خودتان پاسخگو باشید.

۱۱- چرا در قیامت گناهکاران نباید هیچ کس را جز خودشان ملامت نمایند؟

- ۱) میل سرکش در درون انسان سوگند یاد کرده که او را فریب دهد و خود، باید تعقل کند.
- ۲) عوامل بیرونی هیچ تسلطی بر انسان نداشته‌اند و او خود باید میان خیر و شر انتخاب نمایند.
- ۳) نفس اماره در آن روز خواهد گفت که این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید و شایسته سرزنش هستید.
- ۴) عوامل درونی و نفس لوامه انسان را برای رسیدن به لذات زودگذر دنیایی به گناه فرا می‌خواند و وسوسه می‌کند.

تدبر

با توجه به ترجمه آیات زیر بگویید شیطان از چه راه‌هایی انسان را فریب می‌دهد؟

- شیطان می‌خواهد به وسیله **شراب و قمار**، در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. (این آیه در درس ۱۰ دهم تکرار شده است) (سوره مائده، آیه ۹۱)
- و شیطان، **هر کاری** را که [گناهکاران] می‌کردند، در نظرشان **زینت** داد. (سوره انعام، آیه ۴۳)
- کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، (۱) شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان **زینت** داده و (۲) آنان را با **آرزوهای طولانی** فریفته است. (سوره محمد، آیه ۲۵)

۱۲- مطابق آیات قرآن کریم، فریفته شدن با آرزوهای طولانی، نتیجه کدام عمل است؟

(۱) ایجاد کینه و عداوت در میان مردم به وسیله شراب و قمار

(۲) روگردانی از هدایت الهی پس از تبیین دین برای آنها

(۳) غرق شدن در غرائز حیوانی و پذیرفتن دعوت شیطان

(۴) زینت دادن اعمال زشت ایشان در نزد مردم

۱۳- کدام عناوین با عبارتهای مربوط به خود مناسبت دارند؟

الف) کمک در پیمودن راه حق و نشان دادن راه سعادت ← ﴿أَنَا هَدِينَا السَّبِيلَ أَمَا شَاكِرًا وَا مَّا كَفُورًا﴾

ب) واکنش در مقابل گناه و زشتی ← اندیشه

ج) منع انسان از خوشیهای زودگذر دنیایی ← نفس لوامه

د) دعوتگر انسان به گناه برای رسیدن به لذایذ زودگذر دنیایی ← نفس اماره

(۱) الف و ب (۲) الف و د (۳) الف و ج (۴) ب و د

* هر انسانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد و پرونده زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گریزی نیست. ﴿كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةً الْمَوْتِ﴾ (درس ۶ دوازدهم)

* چیستی (ماهیت) مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم انسان‌ها را به خود مشغول کرده است و آنان کوشیده‌اند تا به پرسش‌های اساسی و سرنوشت‌ساز پاسخ دهند.

* درباره زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد:

۱- اعتقاد به معاد

* دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان نشان می‌دهد که انسان دارای دو بُعد (دو ساخت) جسمانی و روحانی است: ۱- بُعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است (مستهلک می‌گردد) و سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود. در مقابل، ۲- بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. پیامبران الهی و پیروان آنان ۱- مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند؛ ۲- بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند ۳- یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند. ۴- در این دیدگاه دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی پس از این دنیا آغاز می‌شود.

جسم = تن	جسمانی
روح = جان	روحانی

مجرد	غیرمادی	روحانی
غیر مجرد	مادی	جسمانی

* رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

«برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا ﴿الْحَيَوَانَ﴾ آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شود.»

* از ایشان پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: ۱- آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و ۲- بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.

در این دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا بوده است و زندگی حقیقی ﴿الْحَيَوَانَ﴾ در جهان دیگر آغاز می‌شود. آن گونه که

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا»
مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می‌شوند.

* قرآن نیز این گونه بر کم‌ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می‌کند:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾

﴿أَلَا لَهُوَ وَّلَعِبٌ﴾

﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ﴾

﴿لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾

﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

دنیا

آخرت

* مقایسه دنیا و آخرت

* استمرار دانایی (ماضی استمراری = ﴿كانوا يعلمون﴾)

(سوره عنكبوت، آیه ۶۴)

تست

۱- روایات معصومین علیهم السلام مردم را در این جهان چگونه توصیف نموده‌اند و وجود نعمت‌های حقیقی در زندگی پس از مرگ در کدام عبارت شریفه، بیان شده است؟

(۱) یظنون - ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (۲) یظنون - ﴿وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾

(۳) نیام - ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (۴) نیام - ﴿وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾

۲- کدام عبارت شریفه، بیان می‌کند که انسان برای نابودی و فنا خلق نشده و برای بقا آفریده شده است؟

(۱) ﴿وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾ (۲) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾

(۳) ﴿إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (۴) ﴿إِنَّمَا نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۳- گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند. کدام عبارت، بیانگر این دیدگاه است؟

(۱) ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَّلَعِبٌ﴾ (۲) ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾

(۳) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبُّ ارْجِعُونِ﴾ (۴) ﴿رَبُّ ارْجِعُونِ لَعَلِّيَ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾

۴- کدام مورد، برداشت مناسبی از عبارت قرآنی ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ بیان نموده است؟

(۱) مرگ پایان‌بخش دفتر زندگی نیست، بلکه غروبی درخشان‌تر برای روح انسان می‌باشد.

(۲) آدمی از یک مرحله هستی دنیا به هستی بالاتر برزخ منتقل می‌شود و زندگی حقیقی آنجاست.

(۳) این دنیا جایی است که انسان از راه ایمان و عمل صالح به زندگی حقیقی و به دور از درد و فنا می‌رسد.

(۴) سرای دیگر جایی است که انسان با کمالات واقعی که از راه ایمان و عمل صالح به دست می‌آورد، زندگی می‌کند.

* پیامد اول ﴿وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ و پیامد دوم ﴿فَلَاخَوْفٌ﴾

علیهم عليهم معتقدین به معاد

* ترس و غم نداشتن معلول ایمان به خدا و آخرت و عمل

صالح است.

* شبیه به این آیه در درس ۹ دوازدهم آمده است.

(معیار اول و دوم تمدن اسلامی یعنی توحید و معاد)

﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾

﴿وَعَمِلَ صَالِحًا﴾

﴿فَلَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾

﴿وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

(سوره مائده، آیه ۶۹)

۱- پیامد اول معتقدین به معاد: با این دیدگاه، پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد.

* این شور و نشاط به این دلیل است که انسان می‌داند هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند؛ زیرا هر غمی را که از دل غمگینی پاک می‌کند و هر خدمتی را که به محرومی می‌کند و هر باری را که از دوش انسانی برمی‌دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی اگر کسی آن را نبیند یا در آن کار موفق نشود و یا در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، ناامید و دلسرد نمی‌شود، زیرا می‌داند که خداوند او و تلاش‌هایش را می‌بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند. (ضرورت معاد در پرتو : ﴿ام نجعل الذين آمنوا و عملوا الصالحات كالمفسدين...﴾ (درس ۴ دهم))

چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همتی خستگی‌ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هر چه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود. ﴿و لا هم يحزنون﴾

۲- پیامد دوم معتقدین معاد: انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خداپرستان حقیقی گر چه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌سپزند (علت)؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند (معلول). آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند. نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند. ﴿فلا خوف عليهم﴾

از طرف دیگر، همین عامل (نهراسیدن از مرگ) سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند. ﴿فلا خوف عليهم﴾

* آن‌گاه که امام حسین علیه السلام در دوره‌ای ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

«من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.» (درس ۱۱ یازدهم)

* امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود نیز فرمود:

«مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام‌یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟»

تست

۵- کدام مورد اعتقاد کسانی است که ﴿و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب...﴾ را باور نموده‌اند و آنان جهان آخرت را چگونه توصیف می‌کنند؟

- (۱) مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پی دارد. - ﴿لهی الحیوان﴾
- (۲) مرگ را غروبی می‌دانند که طلوعی درخشان‌تر در پی دارد. - ﴿فلا خوف علیهم﴾
- (۳) زندگی چند روزه دنیا بی‌ارزش و کم‌اعتبار است و لایق دلبستگی نیست. - ﴿لهی الحیوان﴾
- (۴) زندگی چند روزه دنیا بی‌ارزش و کم‌اعتبار است و لایق دلبستگی نیست. - ﴿فلا خوف علیهم﴾

۶- کدام عامل، سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان شود؟

- ۱) نترسیدن انسان از مرگ که پیامد اعتقاد به معاد است.
 - ۲) به بن بست نرسیدن انسان در زندگی که پیامد اعتقاد به معاد است.
 - ۳) بی‌ارزش بودن زندگی چند روزه دنیا که نتیجه آن کناره‌گیری از دیگران است.
 - ۴) به بن بست نرسیدن انسان در زندگی که نتیجه آن کناره‌گیری از دیگران است.
- ۷- عمل به آیه شریفه «**مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا...**» چه ثمره‌ای دارد و این موضوع به کدام پیامد اعتقاد به معاد اشاره می‌کند؟

- ۱) دل نیستن به زندگی دنیا - گذرا بودن زندگی دنیوی
 - ۲) دچار نشدن به حزن و اندوه - گذرا بودن زندگی دنیوی
 - ۳) دل نیستن به زندگی دنیا - باز شدن پنجره امید و روشنایی به روی انسان
 - ۴) دچار نشدن به حزن و اندوه - باز شدن پنجره امید و روشنایی به روی انسان
- ۸- دلیل وجود شور و نشاط در زندگی فردی که مشمول «**مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ**» شده، اعتقاد و اطمینان به کدام وعده الهی است؟

- ۱) «**أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تَرْجَعُونَ**»
- ۲) «**لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ**»
- ۳) «**أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ**»
- ۴) «**لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ**»

۲- انکار معاد

* گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد.

* منحصر کردن به زندگی دنیایی

* فقط روزگار ما را نابود می‌کند

* سخن کافران از روی علم نیست و فقط ظن و گمان است.

* پاسخ به این ادعا کافران در انکار وجود آفریدگار حکیم

«**أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَشًا...**» در درس ۴ دهم آمده است.

از زبان کافران

درباره کافران

«**وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَىٰ وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ**»

(سوره جاثیه، آیه ۲۴)

آثار انکار معاد

پیامد اول: از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند. روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

پیامد دوم: اما گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، ۱- همین زندگی چند روزه برایشان بی‌ارزش می‌شود؛ ۲- در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و ۳- شادابی و نشاط را از دست می‌دهند؛ ۴- از دیگران کناره می‌گیرند و ۵- به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند. ۶- گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید.

* البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به **ایمان و باور قلبی** تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که **تفاوتی با منکران معاد ندارد.**

تست

۹- پاسخ به کسانی که می‌گویند: ﴿ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا﴾ در کدام عبارت، بیان شده است؟

(۱) ﴿و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها﴾

(۲) ﴿أ فحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون﴾

(۳) ﴿من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة﴾

(۴) ﴿من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم﴾

۱۰- فرو رفتن در هوس‌ها برای معتقدین به معاد چه عاقبتی دارد و زندگی آنان چگونه خواهد شد؟

(۱) هدف قرار دادن زندگی دنیوی در عین اعتقاد به حیات اخروی - پیروی از ظن و گمان

(۲) هدف قرار دادن زندگی دنیوی در عین اعتقاد به حیات اخروی - فرو رفتن در گرداب آلودگی‌ها

(۳) انکار زندگی پس از مرگ در عین اعتقاد به متلاشی شدن جسم و روح انسان - پیروی از ظن و گمان

(۴) انکار زندگی پس از مرگ در عین اعتقاد به متلاشی شدن جسم و روح انسان - فرو رفتن در گرداب آلودگی‌ها

۱۱- غرض اصلی کسانی که می‌گویند: ﴿و ما یهلکنا الا الدهر﴾ کدام است؟

(۱) اثبات اثر مرور زمان در زندگی و حیات انسان‌ها

(۲) انکار وجود آفریننده حکیمی که این جهان را خلق نموده

(۳) ابطال گفته‌های موحدان در وجود آثار متأخر اعمال انسان

(۴) تأیید نظر منکرین معاد در زمینه متلاشی شدن جسم و روح انسان

۱۲- کدام آیه شریفه، به دیدگاه افرادی که برای انسان حقیقتی جز جسم و تن قائل نیستند، اشاره دارد؟

(۱) ﴿و سیصلون سعیرا...﴾

(۲) ﴿و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا...﴾

(۳) ﴿و ما هذه الحیاة الدنیا الا لهو و لعب...﴾

(۴) ﴿و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً...﴾

پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی (معبری) به سوی **حیات برتر** در **جهان آخرت** می‌دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر راه، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحهٔ دعوت خود قرار داده‌اند.

* اهمیت و ضرورت بحث معاد

دفع خطر احتمالی

نگاهی کوتاه به زندگی روزمرهٔ انسان‌ها نشان می‌دهد که انسان در مواقعی که **احتمال خطر یا خسارتی** در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، که در شرایط عادی گفتهٔ او برای ما **اعتباری ندارد**، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همهٔ ما در این‌گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: **«دفع خطر احتمالی، لازم است»**. حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از **قطعی‌ترین خبرهاست**، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که دربارهٔ زندگی جاودانی ماست.

پیامبران عاقل‌ترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. به عنوان مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حتی مشرکین و کافرین نیز به عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همهٔ آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را **لازمهٔ ایمان به خدا** دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی، دربارهٔ هیچ موضوعی به اندازهٔ معاد سخن گفته نشده است.

قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند:

* ﴿اللَّهُ﴾ (محبت = تولی) ﴿لَا إِلَهَ﴾ (نفرت = تبری)

* قطعیت معاد جسمانی و روحانی ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ﴾

* هیچ شکی در معاد نیست

* صادق القول بودن و راستگویی و صدق خداوند

(استفهام انکاری)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

لَا رَيْبَ فِيهِ

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۸۷)

ص ۵۳ دهم	لا اله الا الله (جامع همه ابعاد توحید)
ص ۱۱۵ دهم	
ص ۱۰۱ یازدهم	
ص ۱۹ دوازدهم	
ص ۱۰۹ دوازدهم (فارسی)	

تست

۱- این حقیقت که ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ در آیه شریفه چگونه تأکید و تأیید شده و ابتدای این آیه به کدام یک از اصول دین اشاره دارد؟

- | | |
|---|--|
| (۱) هدفدار بودن خلقت از آفریننده‌ای حکیم - معاد | (۲) هدفدار بودن خلقت از آفریننده‌ای حکیم - توحید |
| (۳) نبود شبهه در صداقت گوینده - معاد | (۴) نبود شبهه در صداقت گوینده - توحید |

بنابراین، سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است، زیرا معاد بخشی قطعی از زندگی آینده ماست، زندگی‌ای که برخلاف زندگانی دنیا که کوتاه و گذراست، جاوید و ابدی خواهد بود.

مثالی گویمت ناهسر، بیندیش
کسی راحت جامی پر عمل پیش
اگر طفلی بد گوید بیامام
که زیر این عمل زهر است در جام
چو از طفل آن سخن دارد شنیده
بلاشک دست از آن دارد کشیده
تو را چندین پیسبر کرده آگاه
که خواهد بود کاری صعب بر راه
به گفت طفل جُتی راه پر هیز
به گفت انبیا از خواب برخیز

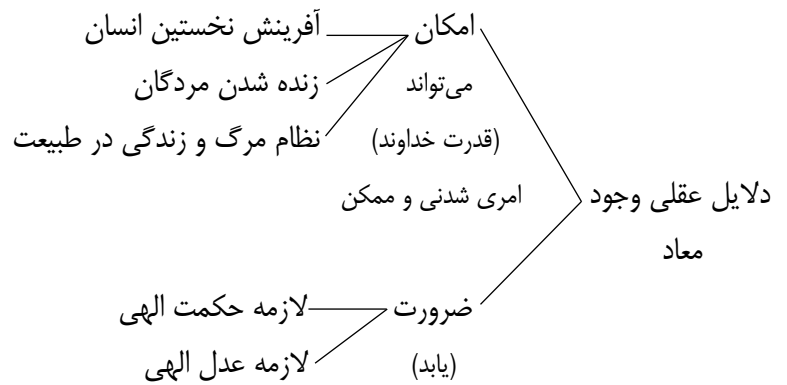
* دفع خطر احتمالی، لازم (واجب) است.

* با آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ مرتبط است.

تست

۲- عبارت شریف ﴿... وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ مضمون کدام بیت را تأیید می‌کند؟

- | | |
|--|---------------------------------|
| (۱) چو از طفل آن سخن دارد شنیده | بلاشک دست از آن دارد کشیده |
| (۲) تو را چندین پیسبر کرده آگاه | که خواهد بود کاری صعب بر راه |
| (۳) دوست نزدیک‌تر از من به من است | وین عجب‌تر که من از وی دورم |
| (۴) ای دوست شکر بهتر یا آن که شکر سازد | خوبی قمر بهتر یا آن که قمر سازد |



الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند:

یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای معاد را انکار کنند، این است که چنان واقعاً بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می‌بینند، به انکار آن می‌پردازند. حال آنکه **بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست.** از این رو، قرآن یکی از انگیزه‌های انکار معاد را **نشناختن قدرت خدا** معرفی می‌کند و دلایل و شواهد زیادی می‌آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند:

۱- **آفرینش نخستین انسان:** در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به **پیدایش نخستین انسان** جلب می‌کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می‌دهد. در این آیات بیان می‌شود که همان‌گونه که خداوند **قادر** است انسان را در **آغاز** خلق کند، می‌تواند **بار دیگر** نیز او را زنده کند.

«و برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آنها را برای **نخستین بار** آفرید و او به هر خلقی **دانا است**». (علم الهی)

۲- **بیان نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان:** قرآن برای اینکه قدرت خدا به صورت محسوس‌تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آنها به اراده خداوند مردگانی زنده شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ماجرای **عزیر نبی** اشاره کرد: **عزیر** یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل بود. او در سفری از کنار **روستای ویرانی** عبور می‌کرد. استخوان‌های متلاشی و پوسیده ساکنان آن روستا از لابه‌لای خرابه‌ها پیدا بود. با دیدن این استخوان‌ها این سؤال در **ذهن عزیر** شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت **صد سال** دوباره او را زنده کرد. سپس خطاب به او گفت: ای عزیر، چه مدت در این بیابان توقف کرده‌ای؟ عزیر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو **صد سال** است که اینجا هستی. به **الاغی** که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و ببین چگونه **الاغ پوسیده** و متلاشی شده؛ اما **غذایت** پس از **صد سال سالم مانده** و فاسد نشده است و اینک ببین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شده **الاغ** را دوباره جمع‌آوری و زنده می‌کند.

عزیر به چشم خود زنده شدن **الاغ** را دید و گفت: می‌دانم که خدا بر هر کاری توانا است. (قدرت الهی)

خداوند در آیات سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند، می‌گوید:
«نه تنها استخوان‌های آنها را به حالت اول درمی‌آوریم، بلکه سرانگشتان آنها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم».

* امکان معاد (آفرینش نخستین انسان)

* قبل از این آیات، آیه ۲ سوره قیامت ﴿لَا اَقْسَمُ بِالنَّفْسِ الْوَالِئَةِ﴾ است. (درس ۲ دهم)
به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سرانگشتان اشاره می‌کند؟
منظور اثر انگشت است که در همه انسان‌ها متفاوت و مؤید اعجاز ممتوایی قرآن یعنی ذکر نکات علمی بی‌سابقه است. (درس ۳ یازدهم)



۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت: در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. فرا رسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

«خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین‌گونه است».

تست

۳- مفهوم کدام آیه شریفه، استدلالی بر این است که معاد امری ممکن و شدنی می‌باشد و خداوند بر انجام آن تواناست؟

- ۱) «آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید.»
- ۲) «برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود.»
- ۳) «آیا گمان کردید به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید و شما را بیهوده آفریده‌ایم؟»
- ۴) «آیا ما آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند با تباهکاران یکسان قرار خواهیم داد؟»

۴- از دقت و توجه در کدام موارد، امکان معاد فهمیده می‌شود؟

- ۱) گرایش به بقا و جاودانگی - پیدایش نخستین انسان در آغاز خلقت
- ۲) گرایش به بقا و جاودانگی - مجازات استفاده از سلاح کشتار جمعی
- ۳) پاداش اعمالی مانند شهادت - مجازات استفاده از سلاح کشتار جمعی
- ۴) ماجرای عزیر نبی ﷺ - فرا رسیدن بهار در طبیعت پس از گذر از زمستان

۵- کدام موارد دربارهٔ معاد آن را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌سازد؟

- (۱) میل به بی‌نهایت‌طلبی - فرا رسیدن بهار طبیعت که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم است.
- (۲) شناختن قدرت الهی - مجازات کسانی که صدها هزار انسان بی‌گناه را کشته‌اند.
- (۳) پیدایش نخستین انسان - خلقت استخوان‌ها و سرانگشتان به حالت اول
- (۴) داستان عزیز نبی ﷺ - عدم ظرفیت این جهان برای جزا و پاداش کامل انسان‌ها

۶- کدام مورد «امکان» معاد را ثابت می‌کند و خداوند قدرت خود را بر معاد را چگونه برای همهٔ انسان‌ها بیان نموده است؟

- (۱) دقت در آفرینش اولیهٔ انسان - سامان دادن مجدد همهٔ استخوان‌های ریز و درشت
- (۲) دقت در آفرینش اولیهٔ انسان - رسیدن هرکس به آنچه استحقاق دارد و شایع نشدن حق کسی
- (۳) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد - بی‌هدف و عبث نبودن آفرینش انسان و جهان
- (۴) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد - رسیدن هرکس به آنچه استحقاق دارد و شایع نشدن حق کسی

* آیه ﴿لِنُحْيِي بِهٖ بَلَدَةً مَّيْمَنًا﴾ در ص ۹ یازدهم با این موضوع ارتباط دارد.

ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند:

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع‌نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت‌اند از:

۱- معاد لازمهٔ حکمت الهی: خداوند حکیم است و لازمهٔ حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در درون انسان قرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیلهٔ آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم. (ص ۱۳ درس ۱ یازدهم)

حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. همچنین هر انسانی خواستار همهٔ کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد.

اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این‌گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می‌کند! آیا این کار با حکمت خداوند سازگار است؟!

علاوه بر این، اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس آفرینش انسان و جهان، بی‌هدف و عبث نخواهد بود؟

* ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی با لحن استفهام انکاری

* لازمه عبث نبودن زندگی انسان

بازگشت به سوی خداست

* این آیه با آیه ﴿ما خلقنا السماوات و الارض...﴾ (درس

۱ دهم) و آیه ﴿كل نفس ذائقة الموت...﴾ (درس ۶

دوازدهم) ارتباط معنایی دارد.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾

(سورة مؤمنون، آیه ۱۱۵)

تست

۷- کدام عبارت، بر ضرورت معاد استدلال نموده و این ضرورت، ریشه در کدام یک از صفات الهی دارد؟

۱) ﴿و ما خلقنا السَّمَاوَات و الارض و ما بينهما لاعبین﴾ - حکمت الهی

۲) ﴿و ما خلقنا السَّمَاوَات و الارض و ما بينهما لاعبین﴾ - عدل الهی

۳) ﴿اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ - حکمت الهی

۴) ﴿اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ - عدل الهی

۸- دقت در وجود تمایلات و گرایش‌های مختلف در وجود انسان پاسخ کدام سؤال را برای او روشن می‌سازد؟

۱) ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾

۲) ﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى و البصير أم هل تستوي الظلمات و النور﴾

۳) ﴿أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا و لا ضَرًّا﴾

۴) ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا و عملوا الصَّالِحَات كالمفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۹- چرا ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه کمالات کسب‌شده را از دست بدهد و از کدام

آیه شریفه، این مطلب استنباط می‌شود؟

۱) زیرا دنیا بر عدل بنا شده است. - ﴿اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ و مَنْ اصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۲) چون خداوند حکیم است. - ﴿اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ و مَنْ اصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۳) زیرا دنیا بر عدل بنا شده است. - ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا و عملوا الصَّالِحَات كالمفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۴) چون خداوند حکیم است. - ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا و عملوا الصَّالِحَات كالمفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۲- معاد لازمه عدل الهی: عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد؛ از این رو،

خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد؛ زیرا:

الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به

جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از

آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند.

عمر محدود برای رسیدن به کمالات	حکمت الهی
عمر محدود برای رسیدن به پاداش و کیفر	عدل الهی

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسانها را ندارد. به عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به عنوان مثال اعدام کسی چون **صدام** و حامیان وی به هیچ عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه، و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانباز برابری نمی‌کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه‌ی خداوند ایراد می‌شود.

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾

* ضرورت معاد در پرتو عدل الهی با لحن استفهام انکاری
* با آیات ﴿وَأَن لِّلَّهِ لَيْسَ بِظُلْمًا لِّلْعَبِيدِ﴾ (درس ۵
دوازدهم) و ﴿فَلَا يَجْزِي آلًا مِّثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾
(درس ۶ دوازدهم) ارتباط معنایی دارد.

(سوره ص، آیه ۲۸)

تست

۱۰- از اینکه پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست؛ چه چیزی فهمیده می‌شود و پیام کدام آیه شریفه، حاکی از آن است؟

۱) امکان معاد در پرتو عدل الهی - ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۲) ضرورت معاد در پرتو عدل الهی - ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

۳) امکان معاد در پرتو حکمت الهی - ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۴) ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی - ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۱۱- کدام عبارت قرآنی، تصریح می‌کند که زندگی انسانها براساس نظام عادلانه قرار دارد و خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد، برساند؟

۱) ﴿أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾

۲) ﴿لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾

۳) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلَّوْكُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فَتَنَّا﴾

۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرَ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي آلًا مِّثْلَهَا﴾

۱۲- اگر بفهمیم «این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد.» کدام وعده الهی را درک خواهیم کرد؟

- (۱) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾
 (۲) ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾
 (۳) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعََنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾
 (۴) ﴿أَمْ نَجْعَلُ الْأَدِينَ مَنَّا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾

تدبر

با اندیشه در ترجمه آیات زیر، برخی دیگر از دلایل انکار معاد را بیان کنید.

- آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) **مست و مغرور** نعمت بودند و بر **گناهان بزرگ اصرار** می‌کردند و می‌گفتند: «هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»
(سوره واقعه، آیات ۴۷-۴۵)
- وای (نهیب) در آن روز بر تکذیب‌کنندگان (مکذبین)، همان‌ها که روز جزا را انکار می‌کنند. تنها کسی که آن را انکار می‌کند که متجاوز و گناهکار است.
(سوره مطففین، آیات ۱۲-۱۰)
- (انسان در وجود معاد **شک** ندارد) بلکه [علت انکارش این است که] او می‌خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، **در تمام عمر گناه کند**.
(سوره قیامت، آیه ۵)

آیه ۵	آیه ۳ و ۴	آیه ۲ سوره قیامت	آیات
۵۸	۵۵	۳۱	پشت سر هم

۱۳- قرآن کریم از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد به چه چیزی توجه کنند و خاستگاه مُصرّ بودن بر گناهان کبیره از منظر آیات قرآن کریم کدام است؟

- (۱) التفات به جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت - عدم خوف و ترس از دادگاه قیامت
 (۲) التفات به جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت - مست و مغرور نعمت دنیوی بودن
 (۳) دقت نظر در آفرینش مجدد انسان - مست و مغرور نعمت دنیوی بودن
 (۴) دقت نظر در آفرینش مجدد انسان - عدم خوف و ترس از دادگاه قیامت

۱۴- با توجه به آیات سوره مبارکه واقعه، دوزخیان درحالی که در دنیا مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان اصرار می‌کردند، چه می‌گفتند؟

- (۱) گروهی از ما می‌میریم و گروهی زنده می‌شویم و ما را روزگار نابود می‌کند.
 (۲) پروردگارا ما را بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهیم و گناه نکنیم.
 (۳) زندگی و حیات ما چیزی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.
 (۴) هنگامی که ما مردیم و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد.

برزخ = منزلگاه بعد از مرگ = عالم مثال غیرمادی

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات آخری قرار گرفته است و آدمیان پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار **﴿مَتَّعِمٌ﴾** و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن **﴿مَتَأَلَمٌ﴾** می‌گردند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ﴾

قَالَ رَبِّ الرَّجِعُونَ

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا

فِيمَا تَرَكْتُ

كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ﴿﴾

﴿وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرَزَخٌ﴾

إِلَىٰ يَوْمِ يَبْعَثُونَ ﴿﴾

آیه ۹۹

سوره مؤمنون

* ظرف تحقق این آیه برزخ است.

* وجود شعور و آگاهی در برزخ و سخن گفتن با خدا

* با توجه به کلمه «ترکت» این آیه از زبان کافران و

گناهکاران است که عمل صالح را ترک کرده‌اند.

* حرف کافران غیر واقعی است. **﴿هُوَ قَائِلُهَا﴾**

* برزخ حد فاصل میان دنیا و آخرت

آیه ۱۰۰

سوره مؤمنون

(سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰)

تست

۱- بیداری و هوشیاری مردمان چه زمانی فرا می‌رسد و در آن وقت چه چیزی را به قطعیت خواهند فهمید؟

(۱) «الناسُ نيامٌ» - «ان الدار الآخرة لهی الحيوان» ﴿﴾ (۲) «الناسُ نيامٌ» - «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» ﴿﴾

(۳) «إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ» - «ان الدار الآخرة لهی الحيوان» ﴿﴾ (۴) «إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ» - «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» ﴿﴾

۲- کدام عبارت به ترتیب، بیانگر اعتراف کافران به گناه کاری و غیرواقعی بودن این اعتراف اشاره نموده است؟

(۱) «قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» - «إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا» ﴿﴾

(۲) «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» - «إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا» ﴿﴾

(۳) «قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» - «وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» ﴿﴾

(۴) «لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» - «وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» ﴿﴾

۳- از دقت در کدام عبارت آیه شریفه ﴿حتی إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت انہا کلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون﴾ مشخص می‌گردد که درخواست کافرین واقعی نیست؟

- (۱) ﴿لعلی اعمل صالحاً﴾
 (۲) ﴿قال رب ارجعون﴾
 (۳) ﴿انہا کلمة هو قائلها﴾
 (۴) ﴿و من ورائهم برزخ﴾

۴- کدام عبارت، به وجود شعور و آگاهی پس از مرگ اشاره دارد؟

- (۱) ﴿و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها﴾
 (۲) ﴿قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت﴾
 (۳) ﴿و ان علیکم لحافظین کراماً کاتبین یعلمون ما تفعلون﴾
 (۴) ﴿من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم﴾

۵- درخواست گناهکاران برای بازگشت به دنیا چه زمانی مطرح می‌شود و این درخواست با کدام توجیه بیان می‌گردد؟

- (۱) ﴿حتی إذا جاء أحدهم الموت﴾ - ﴿لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت﴾
 (۲) ﴿لیجمعنکم الی یوم القیامة﴾ - ﴿لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت﴾
 (۳) ﴿حتی إذا جاء أحدهم الموت﴾ - ﴿کلا انہا کلمة هو قائلها﴾
 (۴) ﴿لیجمعنکم الی یوم القیامة﴾ - ﴿کلا انہا کلمة هو قائلها﴾

ویژگی‌های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، می‌کنند. یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد.

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات، برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت است از:

الف) گفت‌وگوی فرشتگان با انسان: به عنوان نمونه در **سوره نساء** آمده است که، فرشتگان به **ظالمان** (گناهکاران) خطاب کرده و از احوال آنها می‌پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از **مستضعفین** بر روی زمین معرفی می‌کنند. این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در برزخ است.

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر: در جنگ بدر، وقتی **بزرگان لشکر کفار** کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این‌گونه مورد خطاب قرار داد:

«آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، **حق یافتیم**؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، **حق یافتید؟**»

اصحاب گفتند: «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می‌گویی در حالی که مرده‌اند؟!»

حضرت فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط نمی‌توانند پاسخ دهند».

* ارتباط معنایی با آیه ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ (ص ۵۳ درس ۴ دهم)

تست

۶- پرسش پیامبر اکرم ﷺ از کشته‌شدگان جنگ بدر با کدام عبارت شریفه قرآنی، معنا و مفهوم مشابهی دارد؟

(۱) ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

(۲) ﴿تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

(۳) ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾

(۴) ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾

۷- از سخنان رسول خدا ﷺ در جنگ بدر به کشتگان لشکر کفر که فرمود: «آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود،

حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟» کدام مطلب فهمیده می‌شود؟

(۱) ارتباط انسان در عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز هم‌چنان برقرار است.

(۲) پاداش و کیفر نتیجه خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند.

(۳) زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه است و جهان آخرت تداوم‌بخش آن است.

(۴) تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شود و انسان عین عمل خود را می‌بیند.

۳- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا (بدا)

با مرگ انسان و ورود وی به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی‌شود. برخی از نشانه‌های تداوم این ارتباط عبارت است از:

الف) بسته نشدن پرونده اعمال: پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی‌شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا

از آن کاسته شود.

* ظرف تحقق این آیه قیامت است ﴿یَوْمَئِذٍ﴾

* ارتباط عالم برزخ با دنیا از طریق آثار متأخر برقرار است.

* ارتباط معنایی با آیه ﴿ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيْدِيكُمْ...﴾

(درس ۵ دوازدهم)

﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ﴾

بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ﴾

(سوره قیامت، آیه ۱۳)

همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می‌شوند

(آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از حیات ما نیز باز می‌ماند (آثار ماتأخر)؛ به عنوان مثال اگر

کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه‌ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران خوانده

می‌شود و آموزش‌های وی به دیگران منتقل می‌شود یا از آن استفاده می‌شود، در پرونده عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند،

گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این

راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود.

مدسازی غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود. آثار ما تأخر منفی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هرکس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هرکس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.»

مُبدع	بنیانگذار	سازنده مسجد
عامل	انجام‌دهنده	نمازگزار

* ثواب و یا عقاب را به حساب مبدع می‌گذارند بدون اینکه از اجر یا عذاب عامل کم کنند.

تست

۸- فرموده پیامبر اکرم ﷺ درباره «جاری ساختن سنت و روش نیک توسط افراد» مؤید کدام ویژگی برزخ است و «تا وقتی مردم به سنت و روش نیک عمل می‌کنند» پاداش سنت‌گذار و انجام‌دهنده، به چه صورت است؟

- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا - ثواب آن اعمال را به حساب سنت‌گذار می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند.
- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا - ثواب آن اعمال را به حساب سنت‌گذار می‌گذارند و از اجر انجام‌دهنده آن کم می‌کنند.
- وجود حیات و شعور و آگاهی - ثواب آن اعمال را به حساب سنت‌گذار می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند.
- وجود حیات و شعور و آگاهی - ثواب آن اعمال را به حساب سنت‌گذار می‌گذارند و از اجر انجام‌دهنده آن کم می‌کنند.

ب) دریافت پاداش خیرات بازماندگان: اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد. (سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی) (درس ۶ دوازدهم)

ج) ارتباط متوفی با خانواده: شخصی از امام کاظم علیه السلام درباره وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید: «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟» فرمود: آری پرسید: چقدر؟

فرمود: «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه.»

تست

۹- دیدار مؤمنان با خانواده خود، پس از مرگ و مقدار آن، برحسب است و مرسوم کردن سنت زشت در جامعه در زمره اعمال قرار دارد که به مورد اول اشاره فرمودند.

- فضیلت‌های خود مردگان - متأخر - امام کاظم علیه السلام
- مراتب ایمان بازماندگان - متأخر - امام صادق علیه السلام
- فضیلت‌های خود مردگان - ماتقدم - امام کاظم علیه السلام
- مراتب ایمان بازماندگان - ماتقدم - امام صادق علیه السلام

با دقت در ترجمه آیات زیر بگویید هر یک از آیات به کدام یک از ویژگی‌های عالم برزخ اشاره دارند؟
 ■ فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند (توفی) در حالی که به خود **ظلم** کرده‌اند، می‌گویند: شما در [دنیا] چگونه بودید؟ گفتند ما در سرزمین خود **تحت فشار و مستضعف** بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که **مهاجرت** کنید؟

(سوره نساء، آیه ۹۷)

* وجود شعور و آگاهی و وجود حیات برزخی

■ آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند (توفی) در حالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند: «سلام بر شما، **وارد بهشت شوید** به خاطر اعمالی که انجام دادید.»

(سوره نحل، آیه ۳۲)

* وجود شعور و آگاهی - وجود حیات برزخی

ویژگی برزخ	موضوع
وجود شعور و آگاهی	تلقین میت به هنگام دفن
وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا (دریافت پاداش خیرات بازماندگان)	انجام خیرات و طلب آمرزش برای در گذشتگان
وجود حیات روحانی و برزخی	زیارت قبور گذشتگان

۱۰- اگر بگوییم: «اعمال نیک و مستمر انسان، زمینه‌ساز درود فرشتگان، در آستانه ورود به عالم برزخ است.» پیام کدام آیه را ترسیم کرده‌ایم؟

- ۱) «می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهم، آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام.»
- ۲) «آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند: سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام دادید.»
- ۳) «بی‌گمان برای شما نگهبانانی هستند، نویسندگانی گران‌قدر، می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید.»
- ۴) «هرکس به خدا و آخرت ایمان آورد و کار نیک انجام دهد، پس نه ترسی برایشان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

۱۱- کدام یک از موارد زیر با موضوعات ارائه شده درباره برزخ هماهنگی دارد؟

الف) «يُنَبِّئُ الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاَخَّرَ» ← وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا

ب) «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام شنواترند.» ← گفتگو با کشتگان جنگ اُحد

ج) تلقین میت به هنگام دفن ← وجود شعور و آگاهی

د) انجام خیرات و طلب آمرزش برای گذشتگان ← وجود حیات

الف - ج (۱) ب - د (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴)

۱۲- فرشتگان به کسانی که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند «شما چگونه بودید؟» آن‌ها در جواب چه پاسخی می‌دهند و این سؤال و جواب در کدام عالم اتفاق افتاده است؟

۱) ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم - برزخ

۲) ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم - قیامت

۳) انس به دنیا و دلبستگی به آن مانع از سعادت ما شد - برزخ

۴) انس به دنیا و دلبستگی به آن مانع از سعادت ما شد - قیامت

۱۳- گوینده سخن «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام دادید» کدام مورد می‌باشد و ظرف زمانی تحقق آن کدام عالم است؟

الف) خداوند - برزخ ب) خداوند - قیامت ج) فرشتگان - قیامت د) فرشتگان - برزخ

درس هشتم واقعه بزرگ

ویژگی‌های عالم برزخ

آنچه وقوعش حتمی و زمانش نامعلوم بود و ما آن را دور می‌پنداشتیم. قیامت اتفاق می‌افتد تا آغازی باشد بر **حیات ابدی** انسان. روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را **فراموش** می‌کند. مردم از **هیبت** آن روز همچون **افراد مست** به نظر می‌رسند؛ در حالی که **مست** نیستند ولیکن عذاب خدا **سخت** است. و تنها **نیکوکاران** اند (محسنین) که از وحشت این روز در امان‌اند.

تست

۱- در بیان قرآن کریم چرا در روز قیامت افراد مست به نظر می‌رسند در حالی که مست نیستند و چه کسانی از وحشت روز قیامت در امان هستند؟

- ۱) به خاطر هیبت و عظمت و عذاب سخت قیامت - عالمین
- ۲) به خاطر هیبت و عظمت و عذاب سخت قیامت - محسنین
- ۳) به خاطر نامعلوم بودن زمان حسابرسی - عالمین
- ۴) به خاطر نامعلوم بودن زمان حسابرسی - محسنین

پایان این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در **دو مرحله** انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.

الف) مرحله اول قیامت (۳ حادثه - شهت)

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

- ۱- **شنیده شدن صدایی مهیب**: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرامی‌گیرد. و این اتفاق چنان **ناگهانی** رخ می‌دهد که همه را **غافلگیر** می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به **نفخ صور** یاد می‌کند. (نفخ صور اول = مرگ)
- ۲- **مرگ اهل آسمان‌ها و زمین**: همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود. (پیامبران و امامان)
- ۳- **تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها**: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. (۱) **خورشید** درهم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود. (۲) آن همه **ستاره‌ای** که در آسمان می‌درخشید، همه به یک‌باره تیره می‌شوند، (۳) **زمین** به شدت به لرزه در می‌آید و خرد می‌شود، (۴) **کوه‌ها** سخت در هم کوبیده شده و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾

- * مرحله اول قیامت
- * تغییر در ساختار زمین و آسمانها
- * کوهها سخت در هم کوبیده شده و متلاشی می‌شوند
- مانند توده‌های شن درآیند ﴿كثيباً مهيباً﴾

(سوره مزمل، آیه ۱۴)

(۵) دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند و از درون آنها آتش زبانه می‌کشد. این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمانها و زمین به آسمانها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.

تست

۲- آثار متأخر اعمال یک فرد تا چه زمانی گریبان گیر اوست و بر خوب و بد پرونده او می‌افزاید؟

- ﴿يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ (۱)
- ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ﴾ (۲)
- ﴿كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾ (۳)
- ﴿وَ أَمْلَىٰ لَهُمْ إِنْ كَانَتْ مِنِّي﴾ (۴)

۳- با پایان یافتن دوران زندگی انسانها در این جهان، بلافاصله کدام حادثه اتفاق می‌افتد؟

- واقعه سهمگینی که ناگهانی رخ داده و همه را غافلگیر می‌کند.
- حضور فرشتگان الهی و اعضا و جوارح بدن انسان که شاهدان هستند.
- نورانی شدن زمین و روشن شدن آنکه برای پدیدار شدن اعمال است.
- رسیدگی به اعمال همه انسانها از کوچک و بزرگ که بر مبنای عدل است.

۴- عبارت ﴿وَ كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾ مربوط به کدام مرحله قیامت است و به چه معناست؟

- اول - کوهها به صورت توده‌هایی از شن نرم در آیند. (۲) دوم - کوهها به صورت توده‌هایی از شن نرم در آیند.
- اول - کوهها در آن روز سخت به لرزه درآیند. (۳) دوم - کوهها در آن روز سخت به لرزه درآیند.

■ (ب) مرحله دوم قیامت (۵ حادثه - زک بدح)

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسانها آماده (تمهید) دریافت پاداش و کیفر شوند.

- ۱- **زنده شدن همه انسانها:** بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسانها آغاز می‌شود. با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند. در این هنگام انسانهای گناهکار (آثم) به دنبال راه فراری (مفرّ) می‌گردند؛ (۱) دل‌های آنان سخت هراسان و (۲) چشم‌هایشان از ترس به زیر افکنده است. (نفخ صور دوم = حیات)

۵- مطابق آیات قرآن کریم زنده شدن زمین مرده در رستاخیز طبیعت به چه وسیله‌ای انجام می‌شود و وسیله رستاخیز آدمیان کدام است؟

- ۱) ابرهایی که توسط باد به حرکت درآمده‌اند - شنیده شدن صدایی مهیب که همه را غافلگیر می‌کند.
- ۲) بذر و دانه‌ای که در زمین حاصل خیز می‌روید - شنیده شدن صدایی مهیب که همه را غافلگیر می‌کند.
- ۳) بذر و دانه‌ای که در زمین حاصل خیز می‌روید - بانگ سهمناکی که پس از آن گناهکاران به دنبال راه فرار می‌گردند.
- ۴) ابرهایی که توسط باد به حرکت درآمده‌اند - بانگ سهمناکی که پس از آن گناهکاران به دنبال راه فرار می‌گردند.

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم: در آن روز با تابیدن نور حقیقت از جانب خداوند پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار (عیان -

برملا) می‌شود و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می‌شود.

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی: با آماده شدن صحنه قیامت (زک)، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و اعمال، افکار و نیت‌های

انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.

اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛

از این رو هر چه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

۴- دادن نامه اعمال: نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند. نامه عمل انسان با

نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه‌های این دنیا، تنها گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛

اما نامه عمل انسان به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت و باطن آن را در بر دارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند

و انسان عین اعمال خود را می‌بیند. کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار

زشت و وحشت‌زا و آزار دهنده، مجسم می‌شوند.

با دیدن نامه اعمال، برخی بدکاران (فجّار) به انکار اعمال ناشایست خود روی می‌آورند تا جایی که برای نجات خود از مهلکه به دروغ

سوگند (ترفند دروغ) می‌خورند که چنین اعمالی انجام نداده‌اند. در این هنگام، خداوند شاهدان و گواهانی را حاضر می‌کند، که با وجود آنها

دیگر انکار کردن میسر نیست.

۵- حضور شاهدان و گواهان (پفا): براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه

خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از:

الف) پیامبران و امامان: ایشان همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل

الهی‌اند و چون ۱- ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و ۲- از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند.

رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.

ب) فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

- * مرحله دوم قیامت
- * حضور شاهدان و گواهان
- * فرشتگان الهی به عنوان شاهدان روز قیامت
- * ظرف تحقق این آیه قیامت است.

﴿وَإِنَّا عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ﴾
 ﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾
 ﴿يَعْلَمُونَ مَا تَعْلَمُونَ﴾

(سوره انفطار، آیات ۱۲-۱۰)

ج) **اعضای بدن انسان:** برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. **بدکاران** در روز قیامت **سوگند دروغ** (ترفند دروغ) می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها **مهر خاموشی** **نختم** می‌زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ

و تَكَلَّمْنَا أَيْدِيهِمْ

و تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

* مرحله دوم قیامت

* شهادت اعضای بدن انسان

* ظرف تحقق این آیه قیامت است ﴿الْيَوْمَ﴾ لذا یا آیه

﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ﴾ ارتباط معنایی دارد.

* دستان به سخن درمی‌آیند و پاها شهادت می‌دهند.

* تجسم عمل زشت و مستمر ﴿بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

(سوره یس، آیه ۶۵)

تست 

۶- این مطلب که ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ﴾ تأییدکننده کدام مورد است؟

۱) ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

۲) ﴿لَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قُتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ﴾

۳) ﴿وَمَا لَهُمْ بَذَلِكُ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

۴) ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾

۷- کدام مورد، به ترتیب به آرزوی بدکاران در آغاز حیات برزخی و حال ایشان در دادگاه الهی اشاره نموده است؟

۱) ﴿أَنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَّ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ - ﴿تَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ وَّ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۲) ﴿رَبِّ أَرْجَعُونَ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾ - ﴿تَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ وَّ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۳) ﴿أَنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَّ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ - ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۴) ﴿رَبِّ أَرْجَعُونَ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾ - ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۸- تجسم اعمال انسان در قیامت، کدام واکنش بدکاران را به دنبال دارد و چگونه امکان انکار از ایشان سلب می‌شود؟

۱) صورت‌های وحشت‌زا - ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۲) صورت‌های وحشت‌زا - ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ﴾

۳) سوگند دروغ - ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۴) سوگند دروغ - ﴿يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ﴾

۹- نیکوکاران و بدکاران در کدام مرحله، تمایز اساسی پیدا می‌کنند و در آیات قرآن برای ملائکه الهی چه مأموریتی

ذکر شده است؟

۲) دادن نامه اعمال - ﴿كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۱) گزارش فرشتگان - ﴿كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾

۴) گزارش فرشتگان - ﴿بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۳) دادن نامه اعمال - ﴿بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۱۰- از آیه شریفه ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعَلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

- ۱) فرشتگان امین الهی چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند.
- ۲) پیامبران و امامان چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند، از بهترین گواهان قیامت‌اند.
- ۳) فرشتگان امین الهی در طول زندگی انسان‌ها، مراقب آن‌ها بوده‌اند و تمامی اعمال آن‌ها را ثبت و ضبط کرده‌اند.
- ۴) پیامبران و امامان در طول زندگی انسان‌ها، مراقب آن‌ها بوده‌اند و تمامی اعمال آن‌ها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

۱۱- در روز قیامت، بدکاران از چه چیزی به شگفت می‌آیند و در این حالت گفتارشان چیست؟

- ۱) مشاهده گواهی اعضای بدن خویش - چرا علیه ما شهادت می‌دهید.
- ۲) حضور و شهادت دادن فرشتگان الهی - چرا علیه ما شهادت می‌دهید.
- ۳) مشاهده گواهی اعضای بدن خویش - ای کاش چنین اعمالی را انجام نداده بودیم.
- ۴) حضور و شهادت دادن فرشتگان الهی - ای کاش چنین اعمالی را انجام نداده بودیم.

۱۲- با بدکارانی که در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند چگونه برخورد می‌شود؟

- ۱) ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾
- ۲) ﴿يَنْبُوُّ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ آخَرَ﴾
- ۳) ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ...﴾
- ۴) ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ...﴾

۱۳- کدام مورد، به وقایع ﴿يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾ در عبارت شریفه ﴿وَمِنْ ورائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾ اشاره نموده است؟

- ۱) ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعَلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾
- ۲) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾
- ۳) ﴿قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا﴾
- ۴) ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

بدکاران (فجّار) از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش‌آمیز می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.

در روز قیامت (رستاخیز) افراد بدکار (فاجر) با دیدن (مشاهده) حقیقت آن جهان و عاقبت (سرانجام) شوم (بد) خویش، شروع به سرزنش (ندامت) خود کرده و آرزو (تمنّا) می‌کنند که ای کاش ...
 ■ ای کاش برای این زندگی‌ام چیزی از **پیش فرستاده** بودم. (آثار ماتقدم)

(سوره فجر، آیه ۲۴)

■ ای کاش (به دنیا) **بازگردانده می‌شدیم** و آیات پروردگاران را **تکذیب نمی‌کردیم** و از **مؤمنان** می‌بودیم.

(سوره انعام، آیه ۲۷)

■ ای کاش **همراه و هم‌مسیر** با پیامبر می‌شدیم.

(سوره فرقان، آیه ۲۷)

■ ای کاش فلان شخص را **به عنوان دوست** خود انتخاب نمی‌کردیم. **او ما را از یاد خدا** بازداشت. (آیه تکراری درس ۷ دهم)

(سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹)

آیات
پشت سرهم

تست

۱۴- با توجه به آیات قرآن کریم، بدکاران به ترتیب در زمان مرگ و در روز قیامت کدام دلیل را برای آرزوی بازگشت به دنیا بیان می‌کنند؟

۱) از حسرت خوردگان در دادگاه الهی نباشیم. - دوستان خود را ترک می‌کردیم.

۲) از حسرت خوردگان در دادگاه الهی نباشیم. - آیات الهی را تکذیب نمی‌کردیم.

۳) اعمال صالح که در گذشته ترک شده را جبران نماییم. - آیات الهی را تکذیب نمی‌کردیم.

۴) اعمال صالح که در گذشته ترک شده را جبران نماییم. - دوستان خود را ترک می‌کردیم.

۱۵- با توجه به آیات سوره انعام، در روز قیامت افراد بدکار با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خویش، چه چیزی را آرزو می‌کنند؟

۱) ای کاش دوستان مؤمن و خوب برای خود انتخاب می‌کردیم، تا باعث هدایت ما در دنیا شوند.

۲) ای کاش همراه و هم‌مسیر با دشمنان خدا و پیامبر اکرم ﷺ نبودیم و از هدایت‌شوندگان بودیم.

۳) ای کاش به دنیا بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌بودیم.

۴) ای کاش فرزندان صالحی تربیت می‌کردیم تا برای ما در این دنیا خیرات و برکاتی از پیش می‌فرستادند.

۱- جایگاه نیکوکاران = بهشت موعود، ابدی، اخروی

اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کنند؛ بهشت آماده استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سر رسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از درها وارد می‌شوند. یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است. از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید. بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعده خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد. هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هر چه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگان‌شان را خوش آید، آماده می‌بینند. خدا را سپاس می‌گویند که حزن و انده را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است. علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.

بهشتیان با خدا هم‌صحبت‌اند و به جمله «خدایا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند. بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛ یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران (انبیاء)، راستگویان (صدیقان)، شهیدان (شهداء) و نیکوکاران‌اند (صالحین) و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند. (پرشن)

* دقت شود: فرشتگان نیستند

تست

۱- بالاترین درجه بهشت که «بهشتیان در آنجا با خدا هم‌صحبت‌اند» کدام است و آنان به چه جمله‌ای مترنم‌اند؟

- ۱) دارالسلام و رستگاری - خدایا تو پاک و منزهی.
- ۲) لقاء و خشنودی خداوند - خدایا تو پاک و منزهی.
- ۳) دارالسلام و رستگاری - ستایش خدای را که وعده‌اش را محقق گردانید.
- ۴) لقاء و خشنودی خداوند - ستایش خدای را که وعده‌اش را محقق گردانید.

۲- منظور از رستگاری بزرگ که بهشتیان به آن مسرورند کدام است و چه کسانی هم‌نشینان انسان‌اند؟

- (۱) مقام رضا و خرسندی - فرشتگان، شهیدان و نیکوکاران (۲) بالاترین نعمت بهشت - پیامبران، شهیدان و فرشتگان
(۳) بالاترین نعمت بهشت - راستگویان، شهیدان و نیکوکاران (۴) مقام رضا و خرسندی - پیامبران، فرشتگان و راستگویان

۳- عبارت قرآنی «خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی دور کرده است.» مربوط به کدام عالم است و دارالسلام به چه معناست؟

- (۱) قیامت - هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی و هیچ ناراحتی در آنجا نیست.
(۲) برزخ - هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی و هیچ ناراحتی در آنجا نیست.
(۳) قیامت - پس از حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران به سوی آن می‌روند.
(۴) برزخ - پس از حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران به سوی آن می‌روند.

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.

تدبر

با تدبر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمره بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

■ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود بخشد (علت)، برای آنها (تملک) باغ‌هایی از بهشت است (معلول).

(سوره مائده، آیه ۱۱۹)

■ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای متقیان (پرهیزکاران) آماده شده است: ۱- همان‌ها که در زمان توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و ۲- خشم خود را فرو می‌برند و ۳- از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی می‌شوند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند.

(سوره آل عمران، آیات ۱۳۵-۱۳۲)

■ و (۱) آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و (۲) آنها که به راستی ادای شهادت کنند و (۳) آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ‌های بهشتی گرامی (تکریم) داشته می‌شوند.

(سوره معارج، آیات ۳۵-۳۲)

۴- در بیان آیات قرآن کریم تجسم اعمال سودبخشی راستی راستگویان در قیامت چگونه است و کدام یک ویژگی متقیان است؟

- ۱) آمرزشی از سوی پروردگار - هم‌نشین راستگویان و شهیدان هستند.
 - ۲) آمرزشی از سوی پروردگار - خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند.
 - ۳) باغ‌هایی از بهشت - خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند.
 - ۴) باغ‌هایی از بهشت - هم‌نشین راستگویان و شهیدان هستند.
- ۵- آنجا که در سوره نحل می‌خوانیم که فرشتگان الهی خطاب به بهشتیان می‌گویند: «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام دادید.» ظرف تحقق این آیه کدام است و تجسم عمل مراعات امانت و عهد در کلام قرآنی چیست؟

- ۱) بهشت برزخی - تملک باغ‌های بهشتی
- ۲) بهشت برزخی - تکریم در باغ‌های بهشتی
- ۳) بهشت موعود - تکریم در باغ‌های بهشتی
- ۴) بهشت موعود - تملک باغ‌های بهشتی

۶- به ترتیب، رفتار نیکوکاران و بدکاران در هنگام ارتکاب گناه، کدام است؟

- ۱) امانت‌ها و عهد خود را با خدا رعایت می‌کنند - هنگامی که مرگشان فرا می‌رسد می‌گویند توبه کردم.
- ۲) به یاد خداوند می‌افتند و طلب آمرزش می‌کنند - هنگامی که مرگشان فرا می‌رسد می‌گویند توبه کردم.
- ۳) امانت‌ها و عهد خود را با خدا رعایت می‌کنند - مست و مغرور نعمت می‌شوند و بر گناهان اصرار می‌ورزند.
- ۴) به یاد خداوند می‌افتند و طلب آمرزش می‌کنند - مست و مغرور نعمت می‌شوند و بر گناهان اصرار می‌ورزند.

۲- جایگاه دوزخیان

* پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند و در حالی که در غل و زنجیر بسته شده‌اند، در جایگاهی تنگ افکنده می‌شوند.

* آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و برای همین،

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر او را اطاعت می‌کردیم. ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت. دریغ بر ما، به خاطر کوتاهی‌هایی که در دنیا کردیم!

* آنان (جهنمیان) به خداوند می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم. (با ص ۶۵ که برزخ است اشتباه نشود).

پاسخ قطعی خداوند این است که (۱) آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه راست آید؟ (۲) ما می‌دانیم (علم الهی) اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.

آنان (جهنمیان) گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند. [شیطان می‌گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.] به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما نیاوردند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بیجا می‌دانند.

۷- چرا دوزخیان شیطان و بزرگان و سرورانشان را مقصر می‌شمارند و علت اینکه باید خود را ملامت کنند نه شیطان را، در کلام شیطان چیست؟

(۱) چون سبب گمراهی آنان شدند. - چون بر آنها تسلطی نداشته و فقط دعوت کرده است.

(۲) زیرا آنان را هدایتگر خویش گرفتند. - چون بر آنها تسلطی نداشته و فقط دعوت کرده است.

(۳) زیرا آنان را هدایتگر خویش گرفتند. - زیرا پیامبران برایشان دلایل روشنی آورده‌اند.

(۴) چون سبب گمراهی آنان شدند. - زیرا پیامبران برایشان دلایل روشنی آورده‌اند.

۸- در بیان قرآن کریم، چرا آتش دوزخ از درون جان دوزخیان شعله می‌کشد و پاسخ قطعی خداوند به دوزخیان براساس علم الهی کدام است؟

(۱) زیرا حاصل عمل خود انسان‌هاست. - «آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه راست آید.»

(۲) زیرا حاصل عمل خود انسان‌هاست. - «اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.»

(۳) زیرا حاصل نیت و افکار انسان‌هاست. - «اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.»

(۴) زیرا حاصل نیت و افکار انسان‌هاست. - «آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه راست آید.»

تدبر

■ جهنمیان می‌گویند: ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز زستاخیز را تکذیب می‌کردیم.

(سوره مدثر، آیات ۴۷-۴۰)

■ برای کسانی که کارهای زشت انجام دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد می‌گوید: الان توبه کردم، توبه نیست و اینها کسانی هستند که **عذاب دردناکی** برایشان فراهم کردیم.

(سوره نساء، آیه ۱۸)

■ (جهنمیان) پیش از این (در دنیا) **مست و مغرور** نعمت بودند و بر **گناهان بزرگ** اصرار می‌ورزیدند.

(سوره واقعه، آیات ۴۶-۴۵)

۹- مطابق آیات سوره مدثر جهنمیان در پاسخ به سؤال «چه چیزی شما را به دوزخ درآورد؟» چه می‌گویند؟

(۱) خدا را فرمان نمی‌بردیم و پیامبر او را اطاعت نمی‌کردیم، شقاوت بر ما چیره شد و گمراه بودیم و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدیم.

(۲) ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم، شقاوت بر ما چیره شد و گمراه بودیم و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدیم.

(۳) خدا را فرمان نمی‌بردیم و پیامبر او را اطاعت نمی‌کردیم، همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم.

(۴) ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم، همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم.

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟
رابطه میان عمل و جزای آن، سه گونه است:

۱- **قراردادی (وضعی = قابل تغییر = تناسب جرم و کیفر دارد):** گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از **قراردادها** تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه میان آن کارها و این گونه پاداش‌ها و کیفرها، یک **رابطه قراردادی** است و انسان‌ها می‌توانند با **وضع قوانین جدید** این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، **تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.**

۲- **طبیعی (غیرقابل تغییر = تطبیق پذیر = تناسب جرم و کیفر ندارد):** گاهی پاداش و کیفر، **محصول طبیعی خود عمل** است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن **هماهنگ کنند** و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۳- **تجسم عمل (خود عمل، عین عمل، باطن عمل، صورت حقیقی عمل = عدل = گزارش و تصویر عمل):** نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که **عمیق‌تر و کامل‌تر** از دو نوع قبلی است. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا **برملا** شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش **آشکار** نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل **عیان** می‌گردد و آتش از درون او زبانه می‌کشد.

تست

۱۰- پذیرفتن اینکه «ان الله لیس بظلام للعبيد» با توجه به آیات و روایات به کدام دلیل است؟

- ۱) انسان می‌تواند با آگاهی کامل خود را با پاداش و کیفر هماهنگ کند و با وضع قوانین سعادت خود را تضمین نماید.
- ۲) مطابق سنت‌های الهی، رحمت بر غضب سبقت یافته و خداوند در پی تنبیه و مجازات بدکاران نیست.
- ۳) در قیامت گزارش دقیق عمل انسان که فرشتگان آن را ثبت کرده‌اند، نمایش داده می‌شود.
- ۴) آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست.

۱۱- کدام مورد، چگونگی رابطه عمل با پاداش و کیفر را بیان می‌کند؟

- ۱) در رابطه قراردادی، عدالت برقرار می‌گردد و تناسب میان جرم و کیفر برقرار است.
- ۲) در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده می‌شود.
- ۳) در رابطه تجسم عمل، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، ظاهر و باطن اعمال با هم است.
- ۴) آنجا که پاداش و کیفر محصول طبیعی خود عمل است، انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند.

۱۲- کدام مورد، به ترتیب رفتار انسان را در برابر رابطه عمل با پاداش و کیفر طبیعی و قراردادی نشان می‌دهد؟

- (۱) می‌تواند با وضع قوانین جدید، رابطه‌ها را تغییر دهد. - باید خود را با آن هماهنگ کند.
- (۲) باید خود را با آن هماهنگ کند. - می‌تواند با وضع قوانین جدید، رابطه‌ها را تغییر دهد.
- (۳) با افزایش آگاهی خود، نتیجه را تغییر دهد. - باید خود را با آن هماهنگ کند.
- (۴) انسان نمی‌تواند آن را تغییر دهد. - با افزایش آگاهی، خود را با آن تنظیم کند.

دنيا } **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ
أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا
إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
وَيَسِيلُونَ سَعِيرًا﴾**

* تجسم عمل و صورت حقیقی عمل
* خوردن آتش در شکم تجسم باطن عمل است.
* فرو بردن آتش نتیجه و معلول خوردن مال یتیم به
ناحق است.

(سورة نساء، آیه ۱۰)

۱۳- کنار رفتن پرده از حقایق عالم چه ثمره‌ای خواهد داشت و کدام عبارت، نمونه‌ای از روشن شدن حقیقت عمل را بیان نموده است؟

- (۱) شهادت اعضای بدن انسان - ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾
- (۲) آشکار شدن واقعیت همه چیز - ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾
- (۳) شهادت اعضای بدن انسان - ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾
- (۴) آشکار شدن واقعیت همه چیز - ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

۱۴- آیه شریفه ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ در خصوص چه کسانی است و چه عاقبتی برای آن‌ها پیش‌بینی شده است؟

- (۱) کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم می‌خورند - ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾
- (۲) کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم می‌خورند - ﴿سَيَصَلُونَ سَعِيرًا﴾
- (۳) کسانی که در راه خدا انفاق نمی‌کنند - ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾
- (۴) کسانی که در راه خدا انفاق نمی‌کنند - ﴿سَيَصَلُونَ سَعِيرًا﴾

رسول خدا ﷺ در ضمن نصیحتی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود ... آنگاه آن هم‌نشین در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد (علت)، مایه انس تو خواهد بود (معلول) و در غیر این صورت (علت)، موجب وحشت تو می‌شود (معلول). آن هم‌نشین، کردار توست.»

۱۵- با توجه به روایت رسول خدا ﷺ که فرمود: «... هم نشین تو در رستاخیز با تو برانگیخته می شود.» کدام نمونه از اعمال انسان در رستاخیز موجب وحشت او خواهد بود؟

- (۱) ﴿يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾
 (۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾
 (۳) ﴿تَكَلَّمْنَا أَيَّدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾
 (۴) ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾

* بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی شود؛ بلکه خود عمل نمایان می شود و هر کس عین عمل خود را می بیند.

اندیشه و تحقیق

* چرا در کیفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟
 جواب: چون عین عمل به صورت پاداش و کیفر است و این عین عمل است و ظلم در آن معنا ندارد (نه کمتر است نه بیشتر بلکه فور عمل است)

* رسول خدا ﷺ فرمود: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ». (سرنوشت ابدی و اخروی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می شود)

* زمین: "دل" بهترین و مناسبترین زمین برای کشت محصول آخرت است.

* بذر سالم: استعدادها و گرایشهای پاک

* آبیاری و تغذیه مناسب: اعمال نیک انسان

* پاک کردن از علفهای هرز: پاک شدن از گناهان

* حفظ از آسیب و آفات: جلوگیری از وسوسه های شیطان و نفس اماره

۱۶- انسان خردمند از حدیث نبوی «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» کدام مطلب را خواهد آموخت؟

- (۱) سرنوشت ابدی انسانها براساس رفتار کنونی آنها تعیین می شود.
 (۲) قلب انسان بهترین و مناسبترین زمین برای کشت محصول دنیا است.
 (۳) هدف از خلقت انسان عبادت و بندگی خدا و رسیدن به مقام قرب اوست.
 (۴) لازمه پیمودن راه سعادت عهد و پیمان با خدا در مسیر بندگی و ضایع اوست.

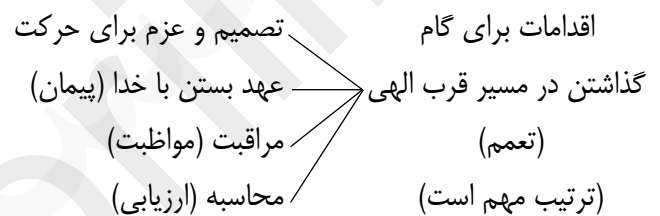
۱۷- کدام مورد با حدیث شریف نبوی «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» هم مفهوم است؟

- (۱) ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾
 (۲) ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾
 (۳) ﴿قَالَ رَبِّ ارْجِعْ عَلَيَّ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا﴾
 (۴) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾

درس هشتم آهنگ سفر

* امام کاظم (موسی بن جعفر) علیه السلام: «می‌دانم که بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.» (اولین گام در مسیر قرب الهی: عزم و تصمیم برای حرکت)

* سرنوشت ابدی انسان‌ها براسا اعمال (رفتار) آنان در دنیا تعیین می‌شود. «الدنیا مزرعة الآخرة»



تست

۱- سرنوشت ابدی انسان‌ها بر چه اساسی تعیین می‌شود و برای دستیابی به موفقیت در این مسیر، به ترتیب چه اقداماتی لازم است؟

- (۱) رفتار انسان‌ها در دنیا - توکل و عزم
(۲) اهداف انتخاب شده - توکل و عزم
(۳) رفتار انسان‌ها در دنیا - مراقبت و محاسبه
(۴) اهداف انتخاب شده - مراقبت و محاسبه

۲- کدام روایت بیانگر اولین گام در مسیر قرب الهی و ثابت‌قدم ماندن در این راه است؟

- (۱) امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.»
(۲) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.»
(۳) امام علی علیه السلام درباره زبردترین انسان‌ها می‌فرماید: «کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»
(۴) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.»

۳- سرنوشت ابدی انسان‌ها بر چه اساسی تعیین می‌شود و وظیفه ما پس از دریافت این حقیقت، کدام است؟

- (۱) اعمال آنان در دنیا - قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد.
(۲) اعمال آنان در دنیا - با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده‌ایم عملی سازیم.
(۳) شناخت اهداف متعالی - قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد.
(۴) شناخت اهداف متعالی - با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده‌ایم عملی سازیم.

۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، (۱) در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و (۲) مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، (۱) سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و (۲) با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ
إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

* خطاب لقمان حکیم به فرزندش
* اولین قدم برای ثبات قدم در مسیر قرب الهی
* تصمیم و عزم برای حرکت

(سوره لقمان، آیه ۱۷)

تست

۴- کدام مورد، یکی از آثار اراده و تصمیم قوی برای انجام کارها را بیان نموده و حال صاحبان این اراده قوی در مقابل مشکلات چگونه است؟

- (۱) ﴿وَاصْبِرْ مَا أَصَابَكَ﴾ - سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت قدم برمی‌دارند.
 - (۲) ﴿فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ﴾ - سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت قدم برمی‌دارند.
 - (۳) ﴿وَاصْبِرْ مَا أَصَابَكَ﴾ - راه رستگاری را که همان قرب به خداست شناخته و در آن مسیر قدم برمی‌دارند.
 - (۴) ﴿فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ﴾ - راه رستگاری را که همان قرب به خداست شناخته و در آن مسیر قدم برمی‌دارند.
- ۵- لقمان حکیم به فرزندش در مورد راه و رسم زندگی چه سفارشی کرده است؟**
- (۱) ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى﴾ (۲) ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾
 - (۳) ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (۴) ﴿أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾

۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری (فلاح) را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست (عند الله)، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی (فرائض) را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام (محرمات)، اجتناب کند.

چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. (۱) بعد از نماز، (۲) شب‌های قدر و (۳) شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند (۱) آخر هر هفته، (۲) آخر هر ماه یا (۳) شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

شب‌های قدر	عهد بستن	ص ۱۰۰
ماه مبارک	تکرار عهد	ص ۱۰۰
رمضان	محاسبه و ارزیابی	ص ۱۰۲

تدبر

■ و هرکس که نسبت به عهدی که با خدا بسته **وفا** کند (علت) به **زودی پاداش عظیمی** به او خواهد داد (معلول).

(سوره فتح، آیه ۱۰)

■ کسانی که **پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند** (۱) آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و (۲) خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و (۳) به آنان در قیامت نمی‌نگرد و (۴) آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و (۵) **عذاب دردناکی** برای آنهاست.

(سوره آل عمران، آیه ۷۷)

■ به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

(سوره بقره، آیه ۴۰)

تست

۶- مخاطب عبارت شریفه «... خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را پاک نمی‌سازد...» کدام گروه از افراد هستند؟

(۱) اموال یتیمان را به ناحق تصاحب می‌کنند و ربا می‌خورند.

(۲) پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند.

(۳) گذشت ایام موجب از هم گسیختگی کارها و تصمیم‌های آنان می‌شود.

(۴) کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و در حق دیگران ظلم و ستم روا می‌دارند.

۳- **مراقبت:** باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد (علت)، رضایت خدا را در پی دارد (معلول) و شکستن پیمان (علت)، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی آسیب نبیند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.»

به طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ (۱) او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و (۲) این تصمیم خود را فراموش نکند و (۳) نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

تست

۷- امام علی علیه السلام می‌فرماید: «گذشت ایام، آفاتی در پی دارد»؛ پیامد این آفات چیست؟

(۱) موجب کم‌طاقتی و ناشکیبایی افراد می‌شود. (۲) افسردگی و یأس را در انسان افزایش می‌دهد.

(۳) سبب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود. (۴) سبب فراموشی هدف و کوتاهی در اطاعت خداوند می‌گردد.

۸- بعد از مرحله دوم گام گذاشتن در مسیر بندگی و قرب الهی و همچنین برای ثابت ماندن در این راه، نوبت کدام عمل فرا می‌رسد؟

(۱) اگر در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم. خوب است خدا را سپاسگزار باشیم.

(۲) باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد که رضایت خدا را در پی دارد.

(۳) از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم.

(۴) با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه را برای رسیدن به این هدف مشخص کرده، انجام دهد.

۹- با توجه به سخن امیرالمؤمنین علیه السلام، گذشت ایام چه آفتی را در پی دارد و کدام اقدام، آن را از سر راه برمی‌دارد؟

(۱) از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد

(۲) تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد

(۳) از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا

(۴) تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا

۴- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم

موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او

باشیم (توحید عملی)؛ زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما (ربوبیت) در انجام پیمان‌هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده‌ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر،

دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به

حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

* حاسبوا (محاسبه نفس) کار انسان است.

* ان تُحاسبوا (محاسبه کردن) کار خداوند است.

* محاسبه کار باعث سعادت و خوشبختی اخروی است.

* ارتباط معنایی با حدیث علوی «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ وَقَفَ

عَلَى عَيْبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ

الْعُيُوبَ» در صفحه ۱۰۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«حاسبوا أنفسكم قبل أن تُحاسبوا»

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی ع پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: «کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: «چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که (۱) - آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ (۲) - آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ (۳) - آیا گره از کار فروبسته مؤمنی گشودی؟ (۴) - آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟»

تفکر در احادیث

احادیث علوی درباره محاسبه نفس:	
<p>* آثار محاسبه ۱- آگاه شدن بر عیب‌های خود ۲- احاطه بر گناهان ۳- جبران گناهان ۴- اصلاح عیب‌ها</p> <p>* نتیجه محاسبه اصلاح نفس خویش است. * نتیجه محاسبه نفس، خوشبختی و رستگاری است. * ارتباط معنایی با حدیث نبوی «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا»</p>	<p>۱- «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَوَقَفَ عَلَىٰ عُيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ اصْلَحَ الْعُيُوبَ»</p> <p>۲- «ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صِلَاحُ النَّفْسِ»</p> <p>۳- «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ سَعِدَ»</p>

تست

۱۰- کدام مورد، ثمره رعایت دستور «حاسبوا أنفسکم قبل ان تحاسبوا» را بیان نموده است؟

- (۱) «ادمانُ التفکر فی اللہ و فی قدرته»
 (۲) «النَّاسُ نِيَامُ فَاذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»
 (۳) «انھما لن یقترقا حتی یردا علی الحوض»
 (۴) «استقال الذنوب و اصلح العيوب»

۱۱- محاسبه و ارزیابی اعمال چگونه موجب سعادت و اصلاح نفس خواهد شد؟

- (۱) «من حاسب نفسه سعد»
 (۲) «ثمره المحاسبة صلاح النفس»
 (۳) «وقف علی عیوبه و احاط بذنوبه»
 (۴) «حاسبوا أنفسکم قبل ان تحاسبوا»

۱۲- رعایت دستور نبوی «حاسبوا أنفسکم قبل ان تحاسبوا» با کدام روش علوی، قابل انجام است؟

- (۱) یادش باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش دارد و به طور جدی اعمالش در قیامت محاسبه خواهد شد.
 (۲) سالی یک بار که بهترین زمان آن شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است، برنامه سالانه خود را مرور نماید.
 (۳) خود را سرزنش کند و مورد عتاب قرار دهد تا در مورد اعمال خود و بندگان هر چه بیشتر دقت نماید.
 (۴) چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و از نفس خود سؤال کند.

۱۳- زیرک‌ترین انسان‌ها از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به کدام دستور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله عمل می‌کنند؟

- (۱) سنت نیکی را در جامعه جاری سازد تا مردم به آن عمل کنند.
- (۲) به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.
- (۳) هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد، زیرا او مایهٔ انس تو خواهد بود.
- (۴) فراوان به یاد خداوند هستند و بهتر از دیگران خود را برای دیدار او آماده می‌کنند.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. **زیرا** وجود این الگوها، **اولاً** به ما ثابت می‌کند که این راه **موفقیت‌آمیز** است؛ **ثانیاً** می‌توان از **تجربه** آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد [و **ثالثاً**] از همه **مهم‌تر** اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان **سریع‌تر** به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است». ﴿لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة﴾ (درس ۶ یازدهم)

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب **رستگاری و نجات** انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

۱۴- در قرار دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به عنوان اسوه و الگو مهم‌ترین موضوع کدام است؟

- (۱) مانند ایشان عمل کنیم و از تجربه‌هایشان بهره‌مند شویم.
- (۲) می‌توانیم بفهمیم این راه، راه موفقیت و پیروزی است.
- (۳) با پیروی از آنان سریع‌تر به هدف برسیم.
- (۴) باید بتوانیم در حدّ توان عین آنان باشیم و در همان حد عمل کنیم.

■ سؤال ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

■ پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و باارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و ... از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین علیه السلام از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل، اوقات خود را سه قسمت کرد. (۱) قسمتی برای عبادت، (۲) قسمتی برای اهل خانه و (۳) قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید.

سؤال ■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

جواب پاسخ این است که ما را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:

«آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از نیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با (۱) پرهیزکاری و (۲) کوشش [در راه خدا] و (۳) عفت و (۴) درستکاری مرا یاری کنید.»

تست

۱۵- الگوبرداری از کسانی که در قرن‌های پیش زندگی کرده‌اند را چگونه می‌توان مورد توجه قرار داد؟

- ۱) اسوه قرار دادن به معنای عین خود آنان بودن و در حد آنان عمل کردن نیست بلکه به معنای عمل در حد توان خود است.
- ۲) خداوند در قرآن کریم به دفعات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان نیکوترین اسوه نام برده و پیروی از ایشان را سبب رستگاری معرفی کرده است.
- ۳) وجود این اسوه‌ها و الگوبرداری از آنان هر چند در گذشته زندگی کرده‌اند، موفقیت‌آمیز بودن راه و مسیر مورد نظر را اثبات می‌کند.
- ۴) اسوه بودن ایشان مربوط به امور متغیر نیست بلکه مربوط به اموری است که همواره برای بشر باارزش بوده‌اند.

۱۶- پاسخ هر یک از سؤال‌های مطرح شده به ترتیب، کدام است؟

- چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال پیش زندگی کرده‌اند اسوه قرار داد؟

- پیامبر صلی الله علیه و آله که یک انسان معصوم است را چگونه می‌توان اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

- ۱) اسوه بودن طبیعتاً با تحولات قابل تغییر است ولی ملاک صفات نیک است. - سعی کنیم عین آنان باشیم و در همان حد عمل کنیم.
- ۲) اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر باارزش بوده است. - سعی کنیم عین آنان باشیم و در همان حد عمل کنیم.
- ۳) اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر باارزش بوده است. - در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به روش آنان نزدیک‌تر کنیم.
- ۴) اسوه بودن طبیعتاً با تحولات قابل تغییر است ولی ملاک صفات نیک است. - در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به روش آنان نزدیک‌تر کنیم.

۱۷- در بیان امیرمؤمنان علی علیه السلام زیرک‌ترین انسان‌ها چه کسی است و اسوه قرار دادن اهل بیت علیهم السلام به چه معناست؟

- ۱) فراوان به یاد مرگ‌اند و خود را برای آن آماده می‌کنند. - عین آنان باشیم و در همان حد عمل کنیم.
- ۲) فراوان به یاد مرگ‌اند و خود را برای آن آماده می‌کنند. - در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به آنان نزدیک کنیم.
- ۳) کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد. - در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به آنان نزدیک کنیم.
- ۴) کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد. - عین آنان باشیم و در همان حد عمل کنیم.



درس نهم

دوستی با خدا

امام سجاد (علی بن الحسین) علیه السلام در مناجات المحبین:
«بارها! خوب می‌دانم هر کس لذت دوستی‌ات را چشیده باشد (علت)، غیر تو را اختیار نکند (معلول) و آن کس با تو انس گیرد (علت)، لحظه‌ای از تو روی‌گردان نشود (معلول)،
بارها! ای آرمان دل مشتاقات و ای نهایت آرزوی عاشقان!
دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»

■ نقش محبت

محبت و دوستی سرچمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دلبستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است.

تست

۱- چه چیزی به زندگی آدمی جهت می‌دهد و از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام میزان ارزش واقعی انسان، کدام است؟

- ۱) محبت‌ها و دلبستگی‌ها - آن چیزی که برای آن تلاش می‌کند.
- ۲) تصمیم‌ها و عزم‌ها - آن چیزی که برای آن تلاش می‌کند.
- ۳) محبت‌ها و دلبستگی‌ها - آن چیزی که دوست می‌دارد.
- ۴) تصمیم‌ها و عزم‌ها - آن چیزی که دوست می‌دارد.

* معیار ارزش واقعی انسان چیست؟

امام علی علیه السلام می فرماید:

«ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می دارد».

تا در طلب کوهس کانی، کانی تا در هوس لقمه نانی، نانی
این نکته رمز اگر بدانی، دانی هر چیز که در جتن آنی، آنی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود». (دوستی با دوستان خدا)

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیباییها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود (علت)، محبت وی نیز به خدا بیشتر می شود (معلول). عشق و محبت الهی (علت) افسردگی، ترس و یأس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد (معلول). محبت الهی (علت)، تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور می کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خود گذشتگی می رساند (معلول). عشق به خدا (علت) چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

تست

۲- کدام عامل، آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خود گذشتگی می رساند و علت این تحول چیست؟

- ۱) اعتقاد به معاد - قلب انسان جایگاه خداست.
- ۲) محبت الهی - قلب انسان جایگاه خداست.
- ۳) اعتقاد به معاد - بهترین توشه برای ابدیت تقواست.
- ۴) محبت الهی - بهترین توشه برای ابدیت تقواست.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید».

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید (کمال محبت) آنان نسبت به خدا می داند:

شُرک { * به میزانی که ایمان انسان اوج می گیرد، محبت و عشق به خداوند شدیدتر می شود. (کمال و اوج محبت)
* اوج محبت الهی در تبعیت از خداوند و پیامبرش است
﴿فاتبعونی﴾

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾

(سوره بقره، آیه ۱۶۵)

۳- مطابق آیات قرآن کریم نشانهٔ صداقت مؤمنان در بیان قرآنی ﴿الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ کدام است؟

- (۱) دوستی با اهل بیت علیهم السلام و جلوگیری از ورود کینه و نفرت به دل که حرم خداست.
- (۲) تداوم و استمرار در محبت به خدا و ایجاد رابطهٔ دوسویه میان خالق و مخلوقات
- (۳) عشق ورزیدن به خداوند و دوستی نکردن با هیچ کس دیگری غیر از خداوند
- (۴) عمل به دستورات الهی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارسال شده است.

۴- فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در چه عواملی دارد و کدام آیهٔ شریفه، به کمال آن اشاره نموده است؟

- (۱) اعتقادات و معرفت‌ها - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾
- (۲) دلبستگی‌ها و محبت‌ها - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾
- (۳) اعتقادات و معرفت‌ها - ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا...﴾
- (۴) دلبستگی‌ها و محبت‌ها - ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا...﴾

۵- به کدام دلیل مخاطبان آیهٔ شریفهٔ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ دچار اشتباه و خطا شده‌اند؟

- (۱) ذکر و یاد خدا را فراموش کرده‌اند.
- (۲) ترس و یأس را به دل راه داده‌اند.
- (۳) در حرم الهی غیر او را ساکن نموده‌اند.
- (۴) معرفت و ارادت به خداوند را رها کرده‌اند.

پیروی از دستورات خداوند
دوستی با دوستان او
بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن

* بین محبت به خدا و این آثار رابطه دوسویه (دو طرفه و متقابل) است (نه تقابل).

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانهٔ عدم

صداقت در دوستی است.

برخی می‌گویند: اگر (۱) قلب انسان با خدا باشد، کافی است و (۲) عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند:

* پیروی از خداوند و پیامبرش مشروط استمرار دوستی

خداوند است ﴿إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ﴾

* تبعیت و تأسی از پیامبر علت دوستداری خداوند و

آمزش گناهان است.

* لازمهٔ دوست داشتن تبعیت و اطاعت کردن است.

* شرط رسیدن به سعادت ﴿فَاتَّبِعُونِي﴾ است و ثمره آن

قرار گرفتن در پناه صفت غفور و رحیم خداوند است.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ﴾

﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

﴿وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾

﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۳۱)

۶- شرط رسیدن به سعادت در کدام عبارت بیان شده و ثمره آن قرار گرفتن در پناه کدام صفات الهی است؟

- (۱) ﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ - ﴿يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا﴾
 (۲) ﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ - ﴿غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
 (۳) ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾ - ﴿يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا﴾
 (۴) ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾ - ﴿غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

۷- شرط اینکه بنده‌ای محبوب خداوند متعال باشد، چیست و کمال مراعات آن در کدام آیه شریفه، آمده است؟

- (۱) ﴿فَاتَّبِعُونِي﴾ - ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
 (۲) ﴿يُحِبِّبْكُمْ اللَّهُ﴾ - ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
 (۳) ﴿فَاتَّبِعُونِي﴾ - ﴿اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولَى الْاَمْرِ مِنْكُمْ﴾
 (۴) ﴿يُحِبِّبْكُمْ اللَّهُ﴾ - ﴿اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولَى الْاَمْرِ مِنْكُمْ﴾

۸- شرط اصلی دوستی با خدا چیست و کدام آیه شریفه به آن اشاره دارد؟

- (۱) عمل به دستورات الهی که توسط پیامبر اکرم آورده شده است. - ﴿قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾
 (۲) قلب انسان با خدا باشد، آنچه مهم است درون و باطن انسان است. - ﴿يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۳) عمل به دستورات الهی که توسط پیامبر اکرم آورده شده است. - ﴿يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۴) قلب انسان با خدا باشد، آنچه مهم است درون و باطن انسان است. - ﴿قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

۹- برخی می‌گویند «اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد». این افراد، مدعی

هستند چه چیزی اهمیت دارد و این توجیه با کدام کلام الهی ناسازگار است؟

- (۱) درون و باطن انسان - ﴿وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۲) ایثار و از خودگذشتگی - ﴿وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۳) درون و باطن انسان - ﴿اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾
 (۴) ایثار و از خودگذشتگی - ﴿اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

۱۰- شرط اصلی دوستی با خدا چیست و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

- (۱) اعتماد به خدا داشته باشد و کارها را به خدا بسپارد. - ﴿وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۲) عمل به دستورات خداوند که توسط پیامبر ﷺ ارسال شده است. - ﴿وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۳) اعتماد به خدا داشته باشد و کارها را به خدا بسپارد. - ﴿اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾
 (۴) عمل به دستورات خداوند که توسط پیامبر ﷺ ارسال شده است. - ﴿اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

۱۱- اگر کسی به شناخت مناسب از اینکه «دوست نزدیک‌تر از من به من است» دست یابد، چه رفتاری خواهد داشت

و کدام ثمره را خواهد دید؟

- (۱) گرایش به حق با تفکر در جهانی که به حق خلق شده است. - ﴿اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۲) پیروی از دستورات خداوند که توسط پیامبر ارسال شده است. - ﴿اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾
 (۳) گرایش به حق با تفکر در جهانی که به حق خلق شده است. - ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾
 (۴) پیروی از دستورات خداوند که توسط پیامبر ارسال شده است. - ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾

۱۲- با توجه به اینکه از منظر قرآن کریم «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ»، این ادعای مؤمنان چگونه ارزیابی می‌شود و پاداش می‌گیرد؟

- (۱) ﴿و لَذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرَ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾
 (۲) ﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾
 (۳) ﴿رَبِّ ارجعون لعلی أعمل صالحاً فیما ترکْتُ﴾
 (۴) ﴿مَنْ یَتَّخِذْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُنْدَاداً یُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»: «کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد».

(مفعول)

خداوند در خواسته‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می‌دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می‌کند. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای **رستگاری ما ضروری** است.

تفکر در احادیث

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می‌کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم.

خداوند، بنده گناهکار توبه‌کننده را دوست دارد.

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی می‌ورزد، دوست دارد.

خداوند، رسیدگی به دل سوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند، کسی که جوانی‌اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.

۲- دوستی با دوستان خدا: اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با **عمل و پیروی** از آنان باشد.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همه پیامبران، از حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و ... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

در نتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و براءت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جمله «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است: «نه» به هر چه غیرخدایی است و «آری» به خدای یگانه.

پس دینداری بر دو پایه استوار است: (۱) تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و (۲) تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هر چه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی (ره) بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این‌گونه سفارش می‌کند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق (تولی) و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا (تبری) لبریز کنند».

* با آیه ﴿يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوكم اولياء...﴾ ارتباط دارد. (درس ۳ دوازدهم)

تست

۱۳- عمل به فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر لبریز نمودن عالم از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا، مبتنی بر دستور کدام آیه شریفه است؟

۱) ﴿و من یتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین﴾

۲) ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوكم اولیاء تلقون الیهم بالموذة﴾

۳) ﴿قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم﴾

۴) ﴿الم تر إلى الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل إلیک و ما انزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا إلى الطاغوت﴾

۱۴- هر کدام از عبارتهای زیر مؤید کدام یک از آثار محبت به خدا و طرق افزایش آن هستند؟

- «کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند، او را دوست ندارد.»

- «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بود و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند.

- «خداوند، انسان باحیای بردبار باعفتی را که پاکدامنی می‌ورزد دوست دارد.»

۱) دوستی با دوستان خدا - دوستی با دوستان خدا - پیروی از خداوند

۲) پیروی از خداوند - دوستی با دوستان خدا - دوستی با دوستان خدا

۳) پیروی از خداوند - بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان - پیروی از خداوند

۴) دوستی با دوستان خدا - بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان - بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان

فلسفه و حکمت و فایده نماز — (۱) یاد خدا ﴿لَذَكَرَ اللَّهُ اکْبَرَ﴾
 (۲) دوری از گناه ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾

فلسفه و حکمت و فایده روزه ← تقوا ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

حقیقت تقوا در نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه:

«مَثَلُ انْسانِ هَایِ بِي تَقْوَا مَثَلُ سَوارِ کَارانِي است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند؛ به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند. اما مَثَلُ آدَمِ هَایِ بَاتَقْوَا، مَثَلُ سَوارِ کَارانِي است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند.»
 * تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

سؤال این لجام گسیختگی و سرکشی در انسان بی‌تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟

جواب «تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان باتقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت می‌کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد. انسان با تقوا، می‌کوشد روز به روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد.
 سؤال اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

جواب بوسیله نماز و روزه باعث کسب تقوا می‌شود.

تست

۱- انسان‌های باتقوا برای خودنگهداری و حفظ خود از آلودگی، کدام روش را در پیش می‌گیرند؟

- (۱) روز به روز بر توانمندی خود می‌افزایند تا در شرایط معصیت، آن قوت آنان را حفظ کند.
- (۲) مانند سوارکارانی هستند که سوار بر اسب‌ها شده‌اند، ولی راه می‌پیمایند تا وارد بهشت شوند.
- (۳) اسب چموش و سرکش را رام می‌کنند و اختیار آن را در دست می‌گیرند تا در شرایط گناه قرار نگیرند.
- (۴) به خودشان مطمئن هستند، زمام نفس خود را در اختیار دارند و می‌گذارند ایشان را در دره گناه بیندازد.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای جای ندگی احساس می‌کند. توجه به حضور در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجی می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾

(سوره عنکبوت، آیه ۴۵)

* وجوب نماز (فعل امر ﴿اقم﴾) = حُکْم
* ﴿ان الصلاة ... و لذكر الله ...﴾ (حکمت نماز)
* توجه به احاطه علم الهی سبب مواظبت در نماز می‌گردد. ﴿يعلم﴾

تست

۲- وقتی که می‌دانیم ﴿و الله يعلم ما تصنعون﴾ مفهوم کدام عبارت شریفه را باید بپذیریم؟

- ۱) ﴿و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل﴾
- ۲) ﴿و الذين كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها و ترهقهم ذلة﴾
- ۳) ﴿لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر﴾
- ۴) ﴿و الله جعل لكم من انفسكم ازواجاً و جعل لكم من ازواجكم بنين و حفدة﴾



تأثیر نماز به

- تداوم
- میزان دقت و توجه
- رعایت آداب
- شتابزده نبودن

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است». (نماز مقبول) = ﴿ان الصلاة تنهى عن

الفحشاء و المنکر﴾

نتیجه اینک: اگر می‌بینیم که با خواندن نماز در حال دور شدن از گناهان هستیم، معلوم شود نمازمان **مورد قبول خدا** قرار گرفته و اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که **عیب و نقصی** در نماز خواندن ما هست. باید جست‌وجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.



اگر نماز را کوچک نشماریم ...

- * اگر نماز را کوچک نشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم (علت)، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد (معلول).
- * اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم (علت)، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد (معلول).
- * اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم (علت)، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد (معلول).
- * اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم (علت)، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد (معلول).
- * اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم (علت)، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد (معلول).
- * اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم (علت)، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد (معلول).
- * اگر عبارت ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را صادقانه از خداوند بخواهیم (علت)، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست (معلول).
- * اگر عبارت ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾ را با توجه بگوییم (علت)، خود را در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد (معلول).
- * بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

تست

۳- مقبولیت نماز در منظر امام صادق علیه السلام در کدام عبارت قرآنی متجلی است و دل نبستن به طرق انحرافی تابع بیان از روی صدق کدام آیه سوره حمد است؟

- ۱) ﴿تنهی عن الفحشاء و المنکر﴾ - ﴿غیر المغضوب علیهم و لا الضالین﴾
- ۲) ﴿تنهی عن الفحشاء و المنکر﴾ - ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾
- ۳) ﴿لذکر الله اکبر﴾ - ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾
- ۴) ﴿لذکر الله اکبر﴾ - ﴿غیر المغضوب علیهم و لا الضالین﴾

۴- چه کاری در نماز باعث می‌شود که انسان نه تنها از گناهان که حتی از برخی از مکروهات هم به تدریج دور شود و بعد از اینکه خداوند در قرآن کریم فلسفه نماز را یاد خدا بیان می‌کند کدام صفت خود را به منصف ظهور می‌گذارد؟

- ۱) سعی کنیم در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده نباشیم و همواره پاکیزه باشیم. - حکمت
- ۲) درک صحیح به آنچه در نماز می‌گوییم داشته باشیم و آن را سبک نشماریم. - حکمت
- ۳) درک صحیح به آنچه در نماز می‌گوییم داشته باشیم و آن را سبک نشماریم. - علم
- ۴) سعی کنیم در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده نباشیم و همواره پاکیزه باشیم. - علم

تکمیل احکام

- * برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده شده باید قبل از نماز پاک گردد.
- * بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.
- توجه: همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز و آنچه در اثر برخورد با آنها نجس می‌شود.

برخی از نجاسات عبارت‌اند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد (ماهی خون جهنده ندارد).

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند (مانند پشگل گوسفند که نجس نیست).

۴- مردار (جسد) انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی‌آور (مُسکر)، نجس است.

* همچنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می‌فرماید:

«ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی (۱) شراب و (۲) قمار و (۳) بت‌پرستی و (۴) تیرک‌های بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین (۱) شما دشمنی و کینه ایجاد کند و (۲) شما را از یاد خدا دور سازد و (۳) از نماز باز دارد.»

تست

۵- آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده به چند مورد از محرمات اشاره نموده است و از همراه آمدن این گناهان کدام مطلب، فهمیده می‌شود؟

(۱) ۴ چیز - مردار همه حیوانات نجس است و برای عبادت باید از آن دوری شود.

(۲) ۱۱ چیز - مردار همه حیوانات نجس است و برای عبادت باید از آن دوری شود.

(۳) ۱۱ چیز - شراب‌خواری از گناهان بزرگ و مانند عمل بت‌پرستی است.

(۴) ۴ چیز - شراب‌خواری از گناهان بزرگ و مانند عمل بت‌پرستی است.

۶- مطابق آیات قرآن کریم، کدام مورد آثار توجه کردن به دعوت‌های شیطانی برای ترویج قمار و شراب را بیان نموده است؟

(۱) نجاست و پلیدی ظاهری - بازداشتن از نماز

(۲) دوری از یاد خدا - بازداشتن از نماز

(۳) نجاست و پلیدی ظاهری - بی‌خاصیت شدن نماز

(۴) دوری از یاد خدا - بی‌خاصیت شدن نماز

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند (حبط - اضمحلال)

توجه کنیم که برخی کارها نیز خاصیت نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده

باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابودر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد غیبت

شده، او را ببخشد.»

■ روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد.

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، «روزه» است. روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها باز دارد؛ خوش رفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

- * خطاب به مؤمنان و وجوب روزه ﴿كُتِبَ﴾
- * روزه در ادیان گذشته نیز واجب بوده است ﴿كَمَا كُتِبَ﴾
- * فلسفه و حکمت روزه، تقواست.
- * روزه و ارتباط با آن آزمایش اخلاص مردم در کلام علوی (درس ۴ دوازدهم)

(سوره بقره، آیه ۱۸۳)

* بررسی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود». مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟
جواب: روزه باید به گونه‌ای باشد علاوه بر تحمل تشنگی و گرسنگی، صفت تقوا و خودنگهداری از گناه نیز در انسان پریر آید، لذا بهترین عمل در ماه رمضان ترک گناه است.

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر ﷺ، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت‌های زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود (قضا ندارد).
۲	اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندانش مانده عمداً بفورد روزه‌اش باطل می‌شود (قضا + کفاره اختیاری).
۳	روزه‌دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلقش برساند (قضا + کفاره اختیاری).
۴	استفراغ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه عمدی باشد (قضا + کفاره اختیاری).

تست

۷- وظیفه روزه‌داری که در ماه رمضان با آگاهی و اراده، غبار غلیظ را به حلقش برساند، در کدام مورد بیان شده است؟

- ۱) هم قضای روزه را به جا آورد و هم کفاره بدهد.
- ۲) هم قضای روزه را به جا آورد و هم کفاره جمع بدهد.
- ۳) کافی است دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد.
- ۴) دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد و قضای آن را هم به جا آورد.

۸- دستیابی به اهداف بزرگ و موفقیت انسان در گروی بهره‌مندی از ثمرات کدام دستور الهی می‌باشد؟

- ۱) ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾
- ۲) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾
- ۳) ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾
- ۴) ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

کفاره روزه → اختیاری (تخیری): ۲ ماه روزه (۶۰ روز) یا اطعام ۶۰ فقیر
جمع: ۲ ماه روزه (۶۰ روز) و اطعام ۶۰ فقیر

باطل نیست	غیرعمدی	اگر دود غلیظ به حلقش برسد
باطل است، قضا و کفاره دارد	عمدی	اگر دود به حلقش برساند

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۹- در کدام مورد، کسی که غسل بر او واجب شده، در ماه مبارک رمضان با وجود ارتکاب معصیت باید روزه بگیرد؟

- ۱) سهواً غسل نکند تا زمان اذان صبح برسد و بعد از آن غسل نماید.
- ۲) عمداً غسل نکند تا زمان اذان صبح برسد و قبل از طلوع آفتاب تیمم نماید.
- ۳) سهواً غسل نکند تا فقط وقت تیمم باقی بماند و با تیمم قبل از اذان صبح روز بگیرد.
- ۴) عمداً غسل نکند تا فقط وقت تیمم باقی بماند و با انجام تیمم قبل از اذان صبح روزه بگیرد.

۱۰- کسی که غسل بر او واجب است، روزه‌اش در ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟

- ۱) اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، نمی‌تواند روزه بگیرد و در مورد غسل نکردن معصیت کرده است.
- ۲) اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، تیمم نکند، می‌تواند روزه بگیرد و باید قضای آن را هم به‌جا آورد.
- ۳) اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است سهواً تیمم نکند می‌تواند روزه بگیرد و باید یک مد طعام به فقیر بدهد.
- ۴) اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است و در مورد غسل نکردن معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری (یا مسافرت) نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۱۱- برای پرداخت کفاره روزه تا چه زمانی فرصت داریم و کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان چیست؟

- ۱) قبل از ماه رمضان آینده - شصت مد طعام به شصت فقیر (۲) قبل از نماز روز عید فطر - شصت مد طعام به شصت فقیر
- ۳) قبل از نماز روز عید فطر - یک مد طعام به یک فقیر (۴) قبل از ماه رمضان آینده - یک مد طعام به یک فقیر

۱۲- چه کسی باید روزه‌اش را قضا کند و برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد؟

- ۱) کسی که روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد و تا قبل از رمضان آینده قضای آن را به‌جا آورد.
- ۲) کسی که روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد و تا قبل از رمضان آینده قضای آن را به‌جا نیاورد.
- ۳) فردی که به علت بیماری نتواند روزه بگیرد و تا رمضان آینده بیماری او باقی‌مانده و قضای روزه را نگیرد.
- ۴) فردی که به علت بیماری نتواند روزه بگیرد و با برطرف شدن بیماری، تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد (با چیز حلال روزه خود را بخورد مانند آب)، باید هم قضای آن را به‌جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مد) و این کار باید تا قبل از رمضان آینده انجام شود.

۱۳- فردی که روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، وظیفه‌اش چیست؟

- ۱) قضای آن را به‌جا آورد و همچنین کفاره بدهد.
- ۲) قضای آن را به‌جا آورد و کفاره جمع بدهد.
- ۳) فقط باید استغفار کند و قضای آن را به‌جا آورد.
- ۴) برای هر روز یک مد طعام بدهد و قضای آن را به‌جا آورد.

۵- اگر کسی به چیز **حرامی** روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد (یا خوردن شراب و یا خاک)، **کفاره جمع** بر او واجب می‌شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

تست

۱۴- به ترتیب در چه صورتی کفاره جمع بر روزه‌دار واجب می‌شود و مصداق آن کدام است؟

- (۱) روزه ماه رمضان را عمداً باطل کند. - دروغ بستن به خدا
- (۲) به چیز حرامی روزه خود را باطل کند. - دروغ بستن به خدا
- (۳) روزه ماه رمضان را عمداً باطل کند. - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
- (۴) به چیز حرامی روزه خود را باطل کند. - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته (قصر) بخواند و نباید روزه بگیرد:

- (الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد (۴۵ کیلومتر)
- (ب) بخواند کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید (۱) نمازش را کامل بخواند و (۲) روزه‌اش را هم بگیرد.
- (ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد (چنین کسی مسافر به حساب نمی‌آید)؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، (۱) باید نماز را تمام بخواند و (۲) روزه‌اش را بگیرد و اگر واجب بوده باشد باید (۱) نماز را شکسته و (۲) روزه نگیرد.

* به این سه نکته توجه کنید.

- سه فرسخ برود ← باید نماز را کامل بخواند و روزه بگیرد.
- چهار فرسخ برود ← بستگی به مسافت برگشت دارد.
- پنج یا شش و ... برود ← نماز را شکسته بخواند و روزه نگیرد.

تست

۱۵- در کدام یک از سفرهای پنج روزه زیر، مسافر باید نمازش را تمام بخواند؟

- (۱) مسافت رفت او ۳ فرسخ و مسافت برگشت ۸ فرسخ باشد.
- (۲) رفت او کمتر از ۴ فرسخ و برگشت کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
- (۳) رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ و رفت او بیش از نیمی از آن باشد.
- (۴) مسافت رفت و برگشت او هر کدام کمتر از ۴ فرسخ و بیش تر از ۸ فرسخ نباشد.

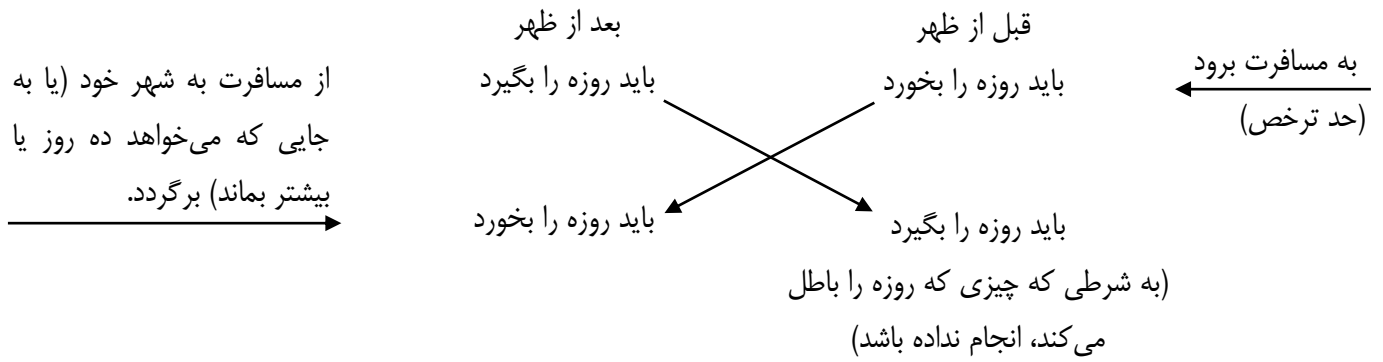
۱۶- فردی از شهر خود بیش تر از ۴ فرسخ شرعی به شهر «الف» سفر می کند و یک هفته در آنجا می ماند و می خواهد پس از آن ۴ فرسخ دیگر برود و دو هفته در شهر «ب» بماند. وظیفه نماز و روزه این فرد، کدام است؟

- ۱) در هر دو شهر نمازش کامل است و باید روزه بگیرد.
 - ۲) در هر دو شهر نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد.
 - ۳) در شهر «الف» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد و در شهر «ب» نمازش کامل است و باید روزه بگیرد.
 - ۴) در شهر «الف» نمازش کامل است و باید روزه بگیرد و در شهر «ب» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد.
- ۱۷- وظیفه شخصی که سفر کرده و مجموع رفت و برگشت او حدود ۲۵ کیلومتر باشد، کدام است؟

- ۱) در صورت وجود عذری مانند بیماری نباید روزه بگیرد.
- ۲) اگر برای انجام کار حرامی سفر نکرده باشد، نباید روزه بگیرد.
- ۳) اگر کمتر از ده روز در محلی که سفر کرده بماند، نباید روزه بگیرد.
- ۴) در صورتی که رفتن او بیش از ۴ فرسخ شرعی باشد، نباید روزه بگیرد.

اندیشه و تحقیق

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟ <u>در صورتی که قبل از رسیدن به آن مکان (وطن یا جایی که می خواهد بیشتر از ده روز بماند) روزه اش را باطل نکرده باشد باید روزه بگیرد.</u>
۲	اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه اش چیست؟ <u>این مسافر باید روزه فور را بگذرد.</u>
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه اش به روزه آن روز چیست؟ <u>باید روزه فور را ادامه دهد.</u>
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه اش چیست؟ <u>وقتی که به بیش از چهار فرسخ شرعی (یا هر ترفص) برسد باید روزه فور را افطار کند.</u>



تست

- ۱۸- وظیفه فردی که «پیش از ظهر» یا «بعد از ظهر» مسافرت کند، نسبت به روزه آن روز به ترتیب، کدام است؟
- ۱) می‌تواند از ابتدای آن روز، روزه نگیرد. - باید روزه خود را تمام کند.
 - ۲) می‌تواند از ابتدای آن روز، روزه نگیرد. - برای ادامه روزه خود مختار است.
 - ۳) وقتی به حد ترخص رسید، می‌تواند افطار کند. - باید روزه خود را تمام کند.
 - ۴) وقتی به حد ترخص رسید، می‌تواند افطار کند. - برای ادامه روزه خود مختار است.

هاروارد کنکور

[T.me/Harvard_Konkor](https://t.me/Harvard_Konkor)

آراستگی، سیره پیشوایان دین

* آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. **آراستگی باطنی** که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، سخاوت، مهربانی و ... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

انسان به طور **طبیعی** به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و هم‌نشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند. پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند یعنی آراسته به زیبایی‌های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند. به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به **آینه** نگاه می‌کرد و **موهای** خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود:

«خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد».

پیامبر همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از **مدعیان زهد** و پرهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جدّ شما این‌گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام علیه السلام فرمود: «در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز در **شرایط بهتری** هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را **ژولیده** نشان دادن، بدش می‌آید. و نیز فرمود:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از **هفتاد رکعت نماز** بدون بوی خوش است».

تست

۱- با وجود اینکه پیشوایان، همواره آراسته به زیبایی‌های باطنی بودند، تفاوت در آراستگی ظاهری آنان براساس تغییر کدام مورد، قابل فهم است؟

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ۱) شرایط زندگی مردم و توانایی آنان | ۲) سلیق و رویکردهای گوناگون نسبت به آراستگی |
| ۳) تفاوت‌های فردی میان پیشوایان مذهبی | ۴) اوضاع اجتماعی و سیاسی حاکم در دوره‌های مختلف |

۲- پیشوایان دین علاوه بر آراستگی باطنی، به کدام مورد سفارش می کردند و آن را از اخلاق چه کسانی برمی شمردند؟

- ۱) آراستگی اخلاقی همچون ادب و سخاوت و حسن خلق - مؤمنان
- ۲) آراستگی اخلاقی همچون ادب و سخاوت و حسن خلق - جوانان
- ۳) آراستگی ظاهری در اجتماع و خانواده و از آن مهم تر در عبادت - مؤمنان
- ۴) آراستگی ظاهری در اجتماع و خانواده و از آن مهم تر در عبادت - جوانان

در کنار این توصیه ها و سفارش هایی که به **عموم مردان و زنان** مسلمان می شد، پیشوایان دین به هر یک از گروه مردان و زنان نیز سفارش های جداگانه ای می کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله به مردان می فرمود: «**سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می افزاید**». پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می کرد اما به زنان توصیه می کرد «**ناخن های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است**».

* این شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله «**لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة**» و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت های دیگر قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در (۳) اجتماعات و معاشرت ها ندارد؛ بلکه شامل (۲) زمان حضور در خانواده، و از آن مهم تر، (۱) زمان عبادت نیز می شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه های مهم آنان هنگام عبادت است. **تکرار دائمی نماز** در شبانه روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می کند و زندگی را پاک و باصفا می سازد.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در **دوره جوانی و نوجوانی** نمود بیشتری دارد و سبب می شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی ها و استعداد های خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. جوانی که با **نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی** یا **خلق اثر هنری** یا **کار مؤثر در کارگاه صنعتی**، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است. به غیر از این افراد، هر کس در جامعه تلاش می کند در هر جایگاهی که قرار دارد، برای خود مقبولیت کسب کند.

* البته اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی، پاسخ های درستی نمی دهند و با پوشیدن لباس های نامناسب یا به کار بردن **کلام زشت و ناپسند** یا **با گذاشتن سیگاری بر لب**، می خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال **نشانه ضعف روحی** و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

۳- رفتار افرادی که با پوشیدن لباس نامناسب، می خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند، چگونه قابل تحلیل است؟

- ۱) برای کسب مقبولیت از این روش خود را در جامعه آراسته نشان می دهند.
- ۲) با آراستگی ظاهری، نیاز به مقبولیت در وجود خود را پاسخ می دهند.
- ۳) از ضعف روحی دیگران برای اثبات خود بهره می برند.
- ۴) به نیاز طبیعی مقبولیت، پاسخ نادرست می دهند.

۴- آراستگی و مقبولیت مربوط به کدام مورد است و «تبرج» در قرآن به چه معنا است؟

- ۱) علت عفاف در زنان و مردان است. - زیاده‌روی در آراسته کردن خود و خودنمایی
- ۲) یکی از جلوه‌های عفاف است. - زیاده‌روی در آراسته کردن خود و خودنمایی
- ۳) علت عفاف در زنان و مردان است. - تحسین و تمجید از آراستگی ظاهری
- ۴) یکی از جلوه‌های عفاف است. - تحسین و تمجید از آراستگی ظاهری

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هر یک از علایق و نیازهای درونی به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یا به طور کامل غرق در آن شود و و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد. همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

۵- قرآن کریم خودنمایی و افراط در آراستگی را «تبرج» می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد. کدام مورد، پیامد این رفتار را بیان نموده است؟

- ۱) به دست آوردن مقبولیت ظاهری و خارج شدن از اعتدال و میانه‌روی
- ۲) شکست خوردن در مقابل تمایلات پست درون خود و تسلیم شدن در برابر آنها
- ۳) غفلت انسان از هدف زندگی و مشغول شدن به آنچه سبب دوری از خدا می‌شود.
- ۴) اثبات وجود خود برای دیگران و انجام اموری که ضعف شخصیتی را به همراه دارد.

۶- قرآن کریم «تبرج» را چه نوع کاری می‌شمرد و به چه علت دین اسلام ما را از آن پرهیز می‌دهد؟

- ۱) جاهلانه - چون تمجید دیگران قدرت تعقل و تفکر را از انسان می‌گیرد و باعث می‌شود استعدادهایش شکوفا نشود.
- ۲) حقیرانه - چون تمجید دیگران قدرت تعقل و تفکر را از انسان می‌گیرد و باعث می‌شود استعدادهایش شکوفا نشود.
- ۳) جاهلانه - باعث غفلت انسان از هدف اصلی و اشتغال به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا را ندارد.
- ۴) حقیرانه - باعث غفلت انسان از هدف اصلی و اشتغال به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا را ندارد.

انسان عقیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد. همچنین یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه‌گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران پایین آورد.

بنابراین، به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود (علت)، نوع آراستگی و پوشش او باوقارتر می‌شود (معلول) و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود (علت)، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد (معلول).

تست

۷- چه چیزی موجب می‌شود نوع آراستگی تغییر کند و پوشش انسان جنبه خودنمایی بگیرد؟

- ۱) بهره‌مندی از گوهر زیبایی و تلاش برای آراستگی هنگام حضور در جامعه
- ۲) توجه به ارزش‌های انسان و تحسین و تمجید فراوان از اندام ظاهری وی
- ۳) نیاز به مقبولیت و تلاش برای اثبات مفید بودن آراستگی برای جامعه
- ۴) ضعیف شدن رشته‌های عفاف در روح انسان و عرضه نابه‌جای زیبایی

احادیث درباره تبرج:

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به **جنگ خدا** بروی.»

و امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی **نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.**»

زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی اراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه ناهالان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود.

دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوس‌رانان قرار گیرد. همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه نا به جای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس (خانواده - عفت و حیا) را از او می‌گیرد.



۸- احساسات لطیف زنان بیانگر وجود کدام ویژگی در آنان می‌باشد و عرضه نابه‌جای آن، چه عاقبتی خواهد داشت؟

(۱) زیبایی‌های باطنی - تحقیر روح بلند و دور ماندن از نگاه ناهلان

(۲) آراستگی ظاهری - تحقیر روح بلند و دور ماندن از نگاه ناهلان

(۳) آراستگی ظاهری - از دست رفتن گوهر مقدس خانواده

(۴) زیبایی‌های باطنی - از دست رفتن گوهر مقدس خانواده

۹- نتیجه هر یک از موارد زیر به ترتیب در کدام‌یک به طور صحیح ذکر گردیده است؟

- عرضه نابه‌جای زیبایی به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده

- برای جلب توجه دیگران خود را آراستن و به گناه آلوده شدن

- زیاده‌روی در آراستگی و توجه افراطی به آن

(۱) سستی و ضعف دینداری - تبرّج افراطی - مشغولیت و دوری از خداوند

(۲) سستی و ضعف دینداری - جنگ با خدا - غفلت از هدف اصلی زندگی

(۳) اضمحلال عفت و حیا - جنگ با خدا - غفلت از هدف اصلی زندگی

(۴) اضمحلال عفت و حیا - تبرّج افراطی - مشغولیت و دوری از خداوند

۱۰- امام صادق علیه السلام استفاده از کدام پوشش را نهی کردند و در همان روایت علت آن را چگونه بیان نموده‌اند؟

(۱) پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما - با انجام آن به جنگ با خدا می‌رود.

(۲) پوشیدن لباس چسبان و نامناسب - با انجام آن به جنگ با خدا می‌رود.

(۳) پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما - نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

(۴) پوشیدن لباس چسبان و نامناسب - نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

زیبایی پوشیدگی

درس نهم

گاه با «سکوتی» معنای زندگی مان تغییر می‌یابد و با «فریادی» روش آن. «کلام»، «لبخند» «سکوت» و «فریاد»، جلوه‌هایی آشکار از رفتارهای انسانی است که بر مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن، اثر گذار است. اما همیشه این گونه نیست؛ چه بسا بدون گفتار یا رفتاری، مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن را تحت تأثیر قرار دهیم. آرامش و روان کسانی را بر هم زنیم، قلوب پاکی را متزلزل کنیم، به تعهد و عشق همسرانی خدشه وارد کنیم و کانون گرم خانواده‌هایی را متأثر سازیم و این همه در حالی باشد که از وقوع این امور بی‌خبر باشیم.

تست

۱- از آثار نامیمون کدام عمل است که دل‌های پاک متزلزل می‌شود و به تعهد همسران خدشه وارد می‌گردد و این عمل چه پیامدی را به دنبال دارد؟

- ۱) عدم مراعات حجاب و عفاف - کاهش حضور زنان در اجتماعات و سلب آزادی آنان
- ۲) عدم مراعات حجاب و عفاف - متأثر ساختن کانون گرم خانواده
- ۳) خودداری از امر به معروف و نهی از منکر - متأثر ساختن کانون گرم خانواده
- ۴) خودداری از امر به معروف و نهی از منکر - کاهش حضور زنان در اجتماعات و سلب آزادی آنان

پوشش مناسب از نشانه‌های «عفاف» است، به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این ارزش را دریافت. با اینکه خداوند هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده است، اما نسبت به پوشش زنان به دلیل بهره‌مندی آنان از نعمت جمال و زیبایی توجه ویژه‌ای دارد.

تست

۲- دلیل توجه ویژه نسبت به پوشش زنان در دین مبین اسلام کدام است و کدام وظیفه به صورت یکسان برای مردان و زنان وجود دارد؟

- ۱) بهره‌مندی از جمال - جلوگیری از جلب توجه نامحرم
- ۲) بهره‌مندی از جمال - پوشاندن گریبان از دید نامحرم
- ۳) نعمت جلال و زیبایی - پوشاندن گریبان از دید نامحرم
- ۴) نعمت جلال و زیبایی - جلوگیری از جلب توجه نامحرم

۱- آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارت‌اند از: (الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند. (ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند. (ج) استفاده از زینت و زیورات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند. (د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند. در شرح و تفسیر آیات قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود پوشش را مشخص کرده‌اند و ما را به رعایت عفاف دعوت کرده‌اند. مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود: «چهره و دست تا مچ».

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ فرمود: «بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود». همچنین از قرآن کریم به دست می‌آوریم که: این‌گونه پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند.

* در احکام الهی میان همسران و دختران و زنان مؤمنان تفاوتی نیست.

* فلسفه و حکمت و ثمره پوشش دو چیز است:

۱- زن به پاکی و عفاف شناخته شود.

۲- مورد اذیت و آزار افراد بی‌بند و بار و اسیر هوی و هوس قرار نگیرند.

* براساس صفت غفور و رحیم کسانی که قبل از این حجاب را به طور کامل رعایت نمی‌کرد مورد آمرزش قرار می‌دهد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾

﴿قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ (حکم)

﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ﴾

﴿فَلَا يُؤْذِينَ﴾

﴿وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

(سوره احزاب، آیه ۵۹)

درس ۹ پایه ۱۰	﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾	غفور و رحیم آمرزنده مهربان
درس ۱۳ پایه ۱۰	﴿وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾	
درس ۷ پایه ۱۲	﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾	
درس ۷ پایه ۱۲	آمرزنده مهربان	

۳- عمل به دستور روایات برای پوشاندن آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، مرتبط با کدام عبارت شریف قرآنی است؟

- (۱) ﴿فَلَا يُؤْذِنُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾
 (۲) ﴿ذَلِكِ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ﴾
 (۳) ﴿قُلْ لَأَزْوَاجُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأُمَّهَاتُكُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْحَامِ مِنْكُمْ لَا يُؤْذِنُ عَلَيْكُمْ فِي مَوَاطِنَ عَلَيْكُمْ وَبِطَوَاطُنٍ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغُونَ بِطَوَاطُنِهَا إِلَهُاتٌ دُونَ اللَّهِ عَالِمِ الْغُيُوبِ﴾
 (۴) ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ﴾

۴- با دقت در آیه شریفه ﴿... يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ...﴾ نتیجه پوشش توصیه شده، کدام مورد است؟

- (۱) مشخص شدن حدود حجاب زنان
 (۲) وجوب حجاب برای زنان و دختران پیامبر
 (۳) عفاف زن و محافظت در مقابل افراد بی‌بند و بار
 (۴) جاهلانه بودن زیاده‌روی در آراسته کردن خود

۵- ایمن‌سازی محیط برای حضور بانوان در جامعه توسط کدام عنصر، انجام می‌پذیرد و این موضوع از مفهوم کدام

آیه شریفه قابل دریافت است؟

- (۱) حجاب - ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأُمَّهَاتُكُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْحَامِ مِنْكُمْ لَا يُؤْذِنُ عَلَيْكُمْ فِي مَوَاطِنَ عَلَيْكُمْ وَبِطَوَاطُنٍ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغُونَ بِطَوَاطُنِهَا إِلَهُاتٌ دُونَ اللَّهِ عَالِمِ الْغُيُوبِ﴾
 (۲) فرهنگ - ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأُمَّهَاتُكُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْحَامِ مِنْكُمْ لَا يُؤْذِنُ عَلَيْكُمْ فِي مَوَاطِنَ عَلَيْكُمْ وَبِطَوَاطُنٍ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغُونَ بِطَوَاطُنِهَا إِلَهُاتٌ دُونَ اللَّهِ عَالِمِ الْغُيُوبِ﴾
 (۳) فرهنگ - ﴿وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...﴾
 (۴) حجاب - ﴿وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...﴾

۶- با توجه به آیه شریفه ﴿... ذَلِكِ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنُ﴾ مقصود از «ذَلِكِ» کدام عمل است؟

- (۱) آشکار ساختن بدن و موی سر
 (۲) پوشاندن گریبان و گردن
 (۳) نزدیک‌تر کردن پوشش‌ها به خود
 (۴) آشکار ساختن زینت و زیورآلات

۷- رعایت هرچه کامل‌تر دستور ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ﴾ چه ثمره‌ای را در پی دارد؟

- (۱) با حفظ استعدادهای فردی موجب رشد و کمال معنوی زن می‌شود.
 (۲) با حفظ استعدادهای فردی موجب کاهش حضور زن در اجتماع می‌شود.
 (۳) با حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت موجب رشد و کمال معنوی زن می‌شود.
 (۴) با حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت موجب کاهش حضور زن در اجتماع می‌شود.

۲- آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری؛ هرچه کامل تر و دقیق تر انجام شود، ۱- نزد خدا با ارزش تر و ۲- آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون تر است و ۳- فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

تست

۸- با توجه به پذیرش تنوع و گوناگونی شکل پوشش در احکام اسلامی، رعایت کدام مورد در پوشش لازم است و استفاده از کدام لباس، برای مردان حرام است؟

- ۱) رعایت آداب و رسوم - آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند.
- ۲) رعایت آداب و رسوم - نازک باشد و از قوم خاصی تبعیت نماید.
- ۳) هماهنگی با ارزش‌های جامعه - آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند.
- ۴) هماهنگی با ارزش‌های جامعه - نازک باشد و از قوم خاصی تبعیت نماید.

۳- آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

اولاً خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرم قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند.

دوم آنکه ادعای خانه‌نشینی کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. ۱- قرآن کریم عفت حضرت مریم علیها السلام را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ ۲- عفت دختران شعیب علیهم السلام را در حال چوپانی و آب دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. ۳- تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان می‌دهد.

پس قانون حجاب، قانونی برای سلب آزادی زنان در جامعه نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن را در ظاهر و قیافه وی خلاصه کند، به شخصیت، استعدادها و کرامت ذاتی وی توجه کند. این امر موجب می‌شود ۱- سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ ۲- حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

تست

۹- کدام مورد، توصیف عفاف حضرت مریم علیها السلام در قرآن و حضور زنان مسلمانان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تاریخ را بیان نموده است؟

- ۱) با پوشش و حجاب کامل مردم را به دین مسیح علیه السلام دعوت می‌کرد. - در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان حاضر می‌شدند.
- ۲) با پوشش و حجاب کامل مردم را به دین مسیح علیه السلام دعوت می‌کرد. - همه‌جا در کنار مردان برای یاری رساندن به اسلام با حجاب کامل حضور داشتند.
- ۳) حضور او در معبدی که همگان چه زن و مرد؛ به پرستش می‌آیند را می‌ستاید. - در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان حاضر می‌شدند.
- ۴) حضور او در معبدی که همگان چه زن و مرد؛ به پرستش می‌آیند را می‌ستاید. - همه‌جا در کنار مردان برای یاری رساندن به اسلام با حجاب کامل حضور داشتند.

۴- آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمهٔ دین‌داری شمرده‌اند. ۱- مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند. ۲- در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می‌کوشند مانند حضرت مریم علیها السلام موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم علیها السلام را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر، زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.



در دوران اخیر پابندی به تعالیم دینی کمتر شده و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته است و به آنها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشهٔ مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانهٔ قبل از حضرت مسیح علیه السلام محسوب می‌شود.

تست

۱۰- اعتقاد و باور معتقدان به مقام حضرت مسیح علیه السلام مانند زنان راهبه و قدیس به قانون متعالی حجاب بیانگر کدام مورد است؟

- ۱) از نظر پیروان همهٔ ادیان، داشتن پوشش مناسب به دین‌داری نزدیک‌تر است.
- ۲) مطابق آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات موی سر خود را می‌پوشانند.
- ۳) قانون حجاب سبب می‌شود تا زن حضوری مطمئن و با امنیت در محیط جامعه داشته باشد.
- ۴) در آیین مسیحیت، پوشش اهمیت زیادی داشته و مسیحیان پوشش حضرت مریم را انتخاب کرده‌اند.

۳- زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست. ۴- در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسب نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.



راهبه‌های مسیحی



زنان زرتشتی

۱۱- پوشش کامل بانوان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، تقویت‌کننده کدام باور تاریخی است؟

۱) همه مردم در رعایت حجاب و چگونگی و شکل آن با تعلیمات ادیان آسمانی مرتبط بوده‌اند.

۲) در دیانت زرتشت رعایت حجاب یا حدود یکسان با تعلیمات اسلام وجود داشته است.

۳) برخلاف سایر اقوام و فرهنگ‌ها، ایرانیان از آغاز دارای پوشش مناسب بوده‌اند.

۴) منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان، ایران باستان بوده است.

۱۲- از دیدگاه مورخان، منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان چیست و تفاوت موجود میان حجاب پیروان صادق

ادیان الهی، ریشه در کدام مطلب دارد؟

۱) دستورات دینی همه پیامبران الهی - دستورات دینی متناقض

۲) دستورات دینی همه پیامبران الهی - چگونگی و حدود پوشش

۳) پوشش و حجاب زنان در ایران باستان - دستورات دینی متناقض

۴) پوشش و حجاب زنان در ایران باستان - چگونگی و حدود پوشش